

گفتمان آینده پژوهی آرمانشهری در شهرهای امن اسلامی در بستر دکترین مهدویت

محمد مهدی بلندیان* - کارشناسی ارشد معماری گرایش مرمت و احیاء بناها و بافت های تاریخی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

Discourse of utopian future studies in Iran on Mahdism doctrine

Abstract

Analysis of future efforts with resources, models and agents of change or stability, to visualize the potential futures and plan for them; Future reflects the reality of tomorrow's generation from the change (or stability) today. Accordingly, outlined a comprehensive vision of urban development and the future of cities in the Islamic Republic of Iran, the Iranian-Islamic utopia needs to scrutinize the components approach the future. According to the discourse of Mahdism, are required to comply with city regulations, principles and standards that are designed to prepare the ground for the emergence of Imam Mahdi (aj) and the realization of cities are based on the principles of Islam and cultural criteria. The research paper is descriptive method of reasoning also explains the components of the utopian discourse of Mahdism and futures benefited. The documentary method and reference to library studies and documents have also been considered. In this future approach and by reference to the concept of utopia Iranian Mahdism in a competent dialogue here the idea of Mahdism of Imam Khomeini is used as a theoretical basis. Try to components, standards and solutions for the infrastructure and preparing the groundwork for the emergence of Iranian civilization and the role of urban planning and urban development is addressed in this regard.

Keywords: future studies, architecture and urban planning discourse Mahdism, the Islamic utopia.

چکیده

آینده پژوهی مجموعه تلاش هایی است که با واکاوی منابع، الگوها، و عوامل تغییر یا ثبات، به تجسم آینده های بالقوه و برنامه ریزی برای آنها می پردازد. آینده پژوهی بازتاب دهنده چگونگی زایش واقعیت «فردا» از دل تغییر (یا ثبات) «امروز» است. بر این اساس، ترسیم چشم اندازی جامع در حوزه شهرسازی و آینده شهرها در ایران اسلامی، نیازمند تدقیق در مولفه های آرمانشهر ایرانی- اسلامی آنهاست. شهرهای امن با رویکرد آینده پژوهی است که با توجه به گفتمان مهدویت، لازم است تا شهرها مطابق با ضوابط، اصول و معیارهای طراحی و آماده سازی شوند که زمینه ساز ظهور امام عصر (عج) و تحقق شهرهای مبتنی بر اصول و معیارهای فرهنگی دین مبین اسلام باشند. روش تحقیق مقاله، روشی توصیفی- تحلیلی است که از روش استدلالی نیز در تبیین مولفه های آرمانشهری، گفتمان مهدویت و فرآیند آینده پژوهی بهره برده است. در ضمن روش اسنادی و رجوع به مطالعات کتابخانه ای و اسناد موجود نیز مورد توجه بوده است. در این پژوهش در رویکرد آینده پژوهی و با رجوع به مفاهیم آرمانشهر ایرانی، و در قالب گفتمان صالحه مهدویت که در اینجا از اندیشه مهدویت امام خمینی (ره) به عنوان مبنای نظری استفاده کرده است، تلاش شده است تا مولفه ها، معیارها و راهکارهایی برای بسترسازی و آماده سازی شهر و تمدن ایرانی برای مقدمات ظهور و جایگاه و نقش برنامه ریزی شهری و شهرسازی در این رابطه پرداخته شود که به اختصار مورد اشاره قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: آینده پژوهی، شهر امن، گفتمان مهدویت، آرمانشهر اسلامی.

اللهم صل على محمد نبيك ورسولك و خيرتك من خلقك و امينك على
وحيك البشير النذير السراج المنير الذي انعمت به على المسلمين و جعلته
رحمة للعالمين و على اله المُنْتَجِبِينَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ ائمة الهدى و مصابيح
الدُّجى و اعلام التقى و كهف الورى و حجج الله المعصومين المتقين الصادقين
المطيعين لله سيما الامام المبين صاحب الامر والزمان مجلي الظلمة و منير
الحق نور الله الذي يهتدى به المهتدون، الحجة القائم المنتظر المحمّد المهدي
(ارواحنا فداه)

مقدمه

ظهور یگانه منجی عالم بشری مهدی موعود (عج) باشد، اهمیتی دوچندان پیدا می کند؛ چنانچه در دوران جدید، تمامی ادیان الهی بر ضرورت انکارناپذیر مهدویت به عنوان حقیقت مشترک بین الادیانی صحنه گذاشته و مهدویت را به معنای اعتقاد وجود مهدی موعود تعریف کرده اند که در آخرالزمان ظهور می کند^۱ و منتهی به ایجاد «شهرهای امن» برای مسلمین می گردد.

علاوه بر این، تاریخ بشر نشان می دهد که انسان همواره به دنبال تأسیس جامعه ای برین بوده که در آن همه امور بر وفق مراد و مطابق میل باشد؛ جامعه ای که در آن نه خبری از ظلم و تبعیض، و نه اثری از جنگ و ستیز، و نه ردپایی از جهل و فقر و مرض باشد. این کمال یابی، مدام فکر عده ای از متفکران و اصلاح طلبان را به خود مشغول داشته و آنان را به طراحی حکومتی ایده آل که برآورنده آرمانهای فوق باشد، وادار نموده است. چنین جامعه ای در زبان اروپایی «اتوپیا»^۲ در زبان عربی «مدینه فاضله» و در فرهنگ فارسی «آرمانشهر»

«آینده پژوهی» از مهمترین موضوعاتی است که در دنیای معاصر مورد توجه صاحب نظران و پژوهشگران علوم قرار گرفته که لازم است تا در معماری و شهرسازی نیز مورد نظر باشد؛ چراکه ضرورت ترسیم چشم انداز و جایگاهی برای آینده شهرها از مقولات مهمی است که باید در فرایند برنامه ریزی شهری و تدوین طرحها و آینده سکونت بشر لحاظ گردد.^۱ از سویی دیگر، «آرمانشهر ایرانی» همواره یکی از اصلی ترین و اساسی ترین خوستها و آرمان های برنامه ریزان و معماران در قالب نظریه پردازی و حتی تدوین برنامه های عملی بوده است که سابقه و پیشینه ای تاریخی داشته و حتی صبغه ای دینی و ارزشی در فرهنگ و هنر این سرزمین برجای گذاشته است و خود را به انحاء و اطوار گوناگون در طول تاریخ شهرنشینی و معماری شهری این سرزمین به منصفه ظهور گذاشته است. این امر در ایران اسلامی که داعیه اسلام ناب محمدی (ص) دارد و افتخار آن را در خود می پروراند که محل

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۹ تابستان ۹۴
No.39 Summer 2015

۱۳۶

۱. نخستین فعالیت آینده پژوهی در قالب یک بررسی علمی در سالهای ۱۹۳۰ تا ۱۹۳۳ توسط گروهی از پژوهشگران و با سرپرستی «ویلیام اف آگبرن» در زمینه جامعه شناسی که علم نوپایی شناخته می شد، در آمریکا انجام گردید. این گروه برای نخستین بار روش شناسی علمی همچون «برون یابی» و بررسی های علمی را در مورد روندهای اجتماعی روز آمریکا به انجام رسانده و ضمن انتشار اولین کاتالوگ روندها در آن کشور، موفق به آینده بینی های مهمی از جمله افزایش نرخ مهاجرت و ازدیاد طلاق شد. همچنین بلافاصله پس از جنگ جهانی دوم، و به دنبال تجزیه و تحلیل فناوریهای مورد استفاده در آلمان و ژاپن، شیوه های نوینی برای آینده پژوهی ابداع شد و در نتیجه آن دستاوردهای مهم فناوری در دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ شامل رادار، موشک های بالیستیک قاره پیما و حمل و نقل هوایی از قبل پیش بینی شد. برای معرفی سیر تحول تاریخی آینده پژوهی، گستره وسیعی از جریانهای اصلی و خاستگاه های گوناگونه را باید شمرد. بررسی کامل تاریخچه آینده پژوهی و نیازمند تلاشی گسترده و معرفی صدها جریان، و سازمان است تلاش های دانشمند جامعه شناس به نام ویلیام اف آگبرن و همکاران او به ویژه «اس کولوم» گیل فیلان» را می توان سراغ از یکی از این جریانها دانست.

۲. این عقیده شیعه که پیوسته باید حجت حق به طور حی و زنده در روی زمین باشد تا واسطه برکات فیوضات الهی برای همه جهانیان به شمار آید، پایه مکتب تشیع را تشکیل می دهد (نک: معرفت، گفتمان مهدویت، ۱۳۷۷، ص ۳۵).

۳. اصل واژه utopia یونانی است و معنی آن «جایی که وجود ندارد» یا «ناکجا آباد» می باشد. اتوپیا Utopia واژه ای است مرکب از OU (او) یونانی به معنای «نقی» و کلمه TOPOS (توپوس) به معنای «مکان» می باشد؛ بنابراین از لحاظ لغوی به معنای «لامکان» می باشد. آرمان شهر نمادی از یک واقعیت آرمانی و بدون کاستی است. همچنین می تواند نمایانگر حقیقتی دست نیافتنی باشد. از افلاطون به عنوان نخستین فیلسوف آرمان گرای اندیشه غرب نام می برند. در واقع آرمان شهر با مفهوم ایده افلاطون هماهنگی کامل دارد. این اندیشه وی را می توان در رساله جمهوری یافت. در رساله جمهوری، افلاطون سیاست را به عرصه های گسترده تری همچون دولت و قانون اساسی بسط می دهد. افلاطون خطوط اصلی که برای سازماندهی یک شهر آرمانی لازم است را به تصویر می کشد؛ به همین سبب از وی به عنوان بنیانگذار این اندیشه نام برده می شود.

و جنگ‌ها و لوازم اینها، یعنی دروغ‌ها و نفاق‌ها و نیرنگ‌ها وجود نداشته باشد^۱ (مطهری، ۱۳۸۱: ۱۸، ص ۱۵۲). در عصر موسوم به جهانی شدن که تلاش برای گسترش سلطه فرهنگ غرب در جریان است، فرهنگ مهدویت می‌تواند جانشین مناسبی برای حرکت جوامع بشری به سمت جهان‌بینی الهی تعریف و تفسیر شود. بدین ترتیب، حکومت جهانی حضرت مهدی(عج)، پدیده‌ای بی‌بدیل و بی‌نظیر است. مبانی اندیشه حکومت جهانی مهدویت بر پایه خداپرستی، عدالت‌خواهی و تعالی‌جویی انسان و ظلم‌ستیزی استوار است. «گفتمان دکتترین مهدویت»^۲ به دلیل ابتنا بر نگرش ارزشی- الهی، پایه‌های استقرار حکومت جهانی مهدوی را در شعاع جهانی قوام می‌بخشد. از طرفی، هویتی که برای انسان عصر مهدوی تعریف می‌شود، هویتی فرامکانی و فرازمانی است.^۳ حکومت مهدویت به گسترش فضایل و ارزش‌های دینی و محو محرمات الهی، استقرار عدالت، برابری و امنیت و رفاه عمومی و نیز تکامل عقول و علوم خواهد انجامید.^۴ در این فرآیند، بدعت‌های قدیم، محو و سنت‌های جدید احیا می‌شوند. شایان ذکر است که مبنای دکتترین در پژوهش حاضر «نظریه وجوب حکومت» است که مبنای فکری آن بر پایه نظرات بنیانگذار انقلاب اسلامی امام خمینی (ره) بوده است که در قالب آینده پژوهی شهرهای ایرانی- اسلامی و بسترسازی برای ظهور آن امام عصر در تمدن ایران موردنظر بوده است. لذا در مقاله حاضر، ابتدا به پیشینه نظری گفتمان مهدویت و دکتترین آن پرداخته شده و سپس مفهوم آینده پژوهی و آرمانشهر ایرانی- اسلامی و

گفته می‌شود. در طول تاریخ، افلاطون با طرح «شهر مراد» در کتاب «جمهوری» در ۲۳۰۰ میلادی و «آگوستین» در قرن چهارم میلادی در کتاب «شهر خدا» و سپس «فارابی» در قرن چهارم در کتاب «سیاست مدنی» از کسانی هستند که فقدان مدینه فاضله را درک کرده اند. نکته قابل تامل در اندیشه‌های آرمانشهر زمینه‌های ظهور در تمدن و شهرها و رویکرد غالباً دینی و مذهبی آنها بوده است؛ چنانچه در ادیان مختلف، چنین اعتقادی به صورت ملموسی تجلی یافته است و منجی موعود با تعبیری نظیر «کالکی» در آیین هندو، «مسیحا» در یهود و مسیحیت، «سوشیانت» در زرتشت و «مهدی (عج)» در اسلام تعریف شده است. همچنین، «دکتترین مهدویت» را نباید نظریه‌ای صرفاً مذهبی یا سیاسی دانست، بلکه آن را باید در کنار نظریه‌های جهانی و تحولات جهانی مطرح کرد. لذا، در میراث ما آمده است همه پیامبران الهی که از سوی خدای متعال در میان بشر مبعوث شده‌اند، برای رسیدن به دو هدف اساسی کوشیده‌اند: ۱. برقراری ارتباط صحیح میان بنده و خالق؛ یعنی منع بشر از پرستش هر موجودی غیر از خالق خودش، بر اساس کلمه طیبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»؛ ۲. برقراری روابط حسنه و صالحه میان افراد بشر، بر اساس عدالت و صلح و صفا، تعاون، احساس عاطفه و خدمت به یکدیگر. ائمه نیز در صدد تبیین چنین چیزی برای زندگی بشر بوده‌اند و در این راه کوشش‌های فراوانی کرده و مرارت‌های بسیاری را متحمل شده‌اند، ولی تابه‌حال نتوانسته‌اند عدل کلی را برقرار سازند؛ یعنی روزی برای بشر پیش بیاید که در آن روز، اثری از این ظلم‌ها و ستم‌ها و تبعیض‌ها

۱. مؤید این گفتار، روایات فراوان و آیه ۱۰۵ سوره انبیاء: «أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» است. البته همه دکتترین‌های موجود در زمینه حکومت واحد جهانی حضرت حجت و اینکه چنین حکومتی ایجاد خواهد شد، با استناد به آیاتی همچون آیه ۵ و ۶ سوره قصص: «ما می‌خواستیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم»، آن را بلاشک می‌دانند.

۲. دکتترین در لغت هم معنی نظریه نام گرفته است. نظریه جامعه‌شناسی، متوجه مسائل مطرح در علم جامعه‌شناسی است، ولی نظریه اجتماعی، نظریه‌ای است که همه موارد علوم اجتماعی را دربرمی‌گیرد (برای اطلاع بیشتر از تفاوت میان نظریه اجتماعی و نظریه جامعه‌شناسی؛ نک: تقی آزاد ارمکی، ۱۳۸۱، ص ۲۷۶).

۳. یکی از نشانه‌های این رابطه معنوی روزافزون به امام زمان را می‌توان شمار زائران مسجد جمکران دانست که تا پیش از انقلاب، مسجد جمکران حداکثر صد نفر زائر داشت، ولی امروزه پانزده میلیون نفر در سال است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲، ص ۷) یا با توجه به درصد کتاب‌ها و آثار منتشر شده درباره امام (عج) در پیش از انقلاب اسلامی و پس از آن، می‌توان مدعی شد که امروزه توجه به عنصر انتظار و مهدویت در کشور ما، حال و هوای دیگری یافته و جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است.

۴. مبنای تشیع، ضرورت وجود حجت به‌عنوان واسطه فیض است، همان‌گونه که در زیارت امام حسین (ع) می‌خوانیم: «یگانه واسطه فیض به‌طور مطلق و فراگیر شما هستید... ارادة الرب فی مقادیر اموره تهبط الیکم و تصدّر من بیوتکم» (نک: گفتمان مهدویت، ۱۳۷۷، ص ۳۶).

شهرهای امن مطرح گردیده و نکاتی چند در رابطه با بسترسازی ایجاد شهرهای امن از دیدگاه اسلام در بستر گفتمان مهدویت مورد اشاره قرار می‌گیرد.

مواد و روشها

این پژوهش «ماهیتی بنیادی» دارد؛ لذا روش تحقیق پژوهش حاضر، «توصیفی و تحلیلی» است که از ابزار گردآوری داده: مطالعات کتابخانه‌ای و مدارک موجود و رجوع به تحقیقات و مبانی نظری موجود در این زمینه بوده است. در ضمن از روش اسنادی نیز برای یافتن مولفه‌های موردنظر در آرمانشهر ایرانی-اسلامی و مفهوم شهرهای امن در گفتمان مهدویت در قالب دکترین‌های موجود بعد از انقلاب اسلامی استفاده شده است.

پیشینه نظری

رشد پژوهشها و مواجهه پژوهشگران مسلمان شیعی با دیدگاه‌های آخرالزمانی اندیشوران و نظریه‌پردازان غرب، به پیدایش پدیده‌ای فکری به نام «گفتمان مهدویت» انجامید. در ادامه به برخی تحقیقات که در آنها موضوعاتی امروزی چون: «چیستی، خاستگاه، ضرورت‌ها و راه‌کارهای آرمانشهر ایرانی-اسلامی» از یک طرف و از طرف دیگر، «دکترین مهدویت؛ مهدویت و جنگ تمدن‌ها؛ حکومت جهانی واحد؛ رویارویی جهان‌بینی سکولار با جهان‌بینی توحیدی و غیره» مطرح می‌شود، مورد اشاره قرار می‌گیرد. شایان ذکر است که هیچ تحقیقی که در رابطه با «جایگاه آینده پژوهی شهرهای ایرانی-اسلامی و گفتمان دکترین مهدویت» باشد، انجام نشده که تأکیدی بر التزام انجام پژوهش حاضر می‌باشد:

۱. «تامس مور» تألیف آرمانشهر خود را ملهم از سبک جمهوری افلاطون می‌داند (دولت‌شهر، پولیتثیا، مشهور به کالی پولیس که به رس پوبلیکا یا جمهوری لاتینی و فارسی ترجمه شده است). مدینه فاضله فارابی نیز برداشتی اسلامی (شیعی) از جمهوری افلاطون بود. میان «فوزیسیسم» یونانی و «اومانسیسم» رنسانس، تنودسیسه یا «عدل الهی ادیان توحیدی ابراهیمی» وساطت می‌کند. کمال جویی

ابراهیم یک مسیر فرش شده از پُرسشگری است و یقین‌یابی او نه ریشه در صور ایدئال و معقولات مُفارق دارد و نه به عقل خودبنیاد و بسنده به تنهایی وابسته است.

۲. در تفکر غربی از روزگار افلاطون تا «آلدوس هکسلی جورج ارول»، مدینه فاضله یا اتوبی، جزیی از تفکر فلسفی و صورتی از آن بوده است (داوری، ۱۳۵۶، ص ۳۶-۳۷). به نظر افلاطون باید اساس اخلاقیات حاکم، حکمت، فضیلت و رعایت عدالت باشد، اما معمولاً صاحبان قدرتهای مادی لذت طلب می‌شوند و قوه قهر و غلبه آنها طالب برتری و ستمگری است، و بالاخره جامع رذایل اخلاقی می‌شوند و بدین جهت نمی‌توانند حاکم باشند، بنابراین طبقه حاکمه باید خویشتن دار، عادل، حکیم و بافضیلت باشد؛ و این است معنی اریستوکرات و یا اشراف (فارابی، ۱۳۵۸، ص ۳۶).

۳. علی اصغر رضوانی در کتاب خود با عنوان «دکترین مهدویت، تنها راه نجات بشر»، به ارزیابی و تحلیل خود از گفتمان مهدویت پرداخته است. و زمینه‌های تحقق ظهور منجی در آرمانشهر اسلامی را تبیین کرده است (رضوانی، ۱۳۸۹).

۴. محمدحسن قدردان قراملکی پژوهشی دارد با عنوان «دکترین مهدویت و پلورالیسم» که در آن درصدد برآمده برای تحلیل نسبت دکترین مهدویت با پلورالیسم، پس از تعریف اصطلاحات کلیدی (پلورالیسم دینی، اجتماعی و معرفتی و دکترین) و تبیین موضوع بحث، ناسازگاری دکترین مهدویت با پلورالیسم دینی را با برخی ادله (آیات و روایات مهدویت) اثبات کند. از نظر وی در تبیین نسبت پلورالیسم اجتماعی با دکترین مهدویت دو دیدگاه متفاوت گزارش می‌شود: یکی دیدگاه ناسازگارانه که معتقد است دکترین مهدویت، پلورالیسم دینی را بر نمی‌تابد و از نظر نویسنده، دلیل این دیدگاه عمدتاً روایاتی است که بر وجود دو گزینه برای اهل کتاب یعنی اسلام آوردن یا جنگ و قتل دلالت می‌کند. و نظر دوم، دیدگاه سازگارانه است که اعتقاد دارد

دکترین مهدویت، بردباری مذهبی را بر می‌تابد. نگارنده در تحلیل و بررسی دو دیدگاه، می‌کوشد دیدگاه دوم را به دلیل به گفته وی موافقت و مطابقت آن با مبانی قرآنی و امکان تقیید اطلاق روایات قتل؛ بر دیدگاه دیگر ترجیح دهد. در استدلال مزبور، در صورت تعارض روایات قتل و جزیه، اعتبار هر دو ساقط و به اطلاق و عموم ادله دیگر رجوع می‌شود. آخرین بحث وی نیز، در مورد تبیین ناسازگاری دکترین مهدویت با پلورالیسم معرفتی است.

۵. بهروز محمدی منفرد، در دو تحقیق خود با نام «از خدایی انسان تا انسان خدایی: بررسی اومانیزم و اندیشه مهدویت» و «آگزیستانسیالیسم و مهدویت»، از مجموعه آثار دومین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت، یکی از آموزه‌های مهم شیعه — یعنی اندیشه مهدویت — با یکی از مهم‌ترین مکتب‌های انسان‌شناسی معاصر — یعنی آگزیستانسیالیسم — را مورد ارزیابی قرار داده و تقابل آنها با یکدیگر را بررسی کرده است. نویسنده تلاش کرده تا برخی مفاهیم اساسی مورد اتفاق تعدادی از تأثیرگذاران فیلسوفان وجودی همانند «کی‌یر کگارد، راسل، سارتر و یاسپرس» را بررسی و در موارد ممکن با اندیشه مهدویت مقایسه کند. وی مسئله ظهور منجی مصلح را اندیشه‌ای فرا اسلامی تلقی کرده که در تمامی ادیان الهی و حتی غیر آسمانی ریشه دارد؛ یعنی به باور پیروان تمامی ادیان، روزی منجی مصلحی ظهور خواهد کرد و با قیام در برابر ستمگران، تمام دنیا را از عدل و قسط پر می‌کند و آسایش و رفاه را برای همگان به ارمغان می‌آورد. به اذعان نگارنده، این اندیشه از جهت این که تحقق‌بخش همه اختیارات و امکانات بشر برای رسیدن به جامعه دلخواه و آرمانی است، با تفکر وجودی قرابت دارد. ۶. مجتبی عطارزاده، به پژوهش در گفتمان مهدویت از راه بررسی «کارآمدی گفتمان مهدویت در تأمین امنیت جهانی» پرداخته و پژوهش خود را در کتاب سخنرانی‌ها و مقاله‌های گفتمان نهم مهدویت، منتشر کرده است. سیداحمد رهنمایی در کتاب

«حکومت جهانی واحد: رویارویی جهان‌بینی سکولار با جهان‌بینی توحیدی»، مبانی اندیشه حکومت واحد جهانی با تطبیق و مقایسه اندیشه اسلام و غرب را هدف گرفته و در فصل نخست کتابش، دور نمایی از این اندیشه و برخی فرضیه‌های اساسی آن ارائه کرده و سپس درصدد برآمده تا مبانی تفکر غرب و روایت‌ها و قرائت‌های مختلف تفکر غربی برای جهانی شدن را از طریق ارزیابی چهار نظریه پایان تاریخ، دهکده جهانی، نظریه برترین‌ها و نظریه برخورد تمدن‌ها در غرب، بررسی کند.

۷. محمد اخوان در مطلبی با عنوان «مهدویت و جنگ تمدن‌ها» به مقایسه گفتمان مهدویت و نظریه «برخورد تمدن‌های هانتینگتون» مبادرت کرده است. وی ابتدا نظریه جنگ تمدن‌ها و تحلیل و ویژگی‌های آن را بیان و سپس نقد و ارزیابی کرده و سپس به طور تفصیل، آموزه شیعی مهدویت را معرفی نموده است. نویسنده در بخش دوم، این تحلیل را شکافته و جوانب آن را مشخص نموده است. دفاع از اصول‌گرایی اسلامی، نگاه فطری به انسان، و دو قطبی شدن جهان، از دیگر مباحث کتاب است. در پی این بررسی‌ها، وی ادعا می‌کند که نظریه جنگ تمدن‌ها ضعف‌های تئوریک دارد.

۸. حمیدرضا اسلامی در نوشتاری با عنوان «دکترین مهدویت و پایان تاریخ از منظر رنه گنون» در مقالات برگزیده مجموعه آثار دومین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت، به طرح گفتمان مهدویت و حکومت امام مهدی (عج) پرداخته است.

۹. پیمان بیگ‌محمدی، آزاده قیامی و حدیث نادری در پژوهش خود با عنوان «دکترین مهدویت؛ چیستی، خاستگاه، ضرورت‌ها و راه‌کارها» که در مجموعه آثار سومین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت منتشر شده است، درصدد برآمده‌اند تا با تبیین خاستگاه دکترین مهدویت در حوزه اندیشه اسلامی، به تحلیل و ارزیابی موقعیت و جایگاه این آموزه در جهان معاصر و بررسی زمینه‌ها و قابلیت‌های کاربردی آن بپردازند. نویسندگان پس از بررسی مشخصات نظام

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۹ تابستان ۹۴
No.39 Summer 2015

۱۳۹

فکری مهدوی و تفاوت آن با دکترین فکری غرب، به ابعاد عقلانی، دینی و تاریخی و فرهنگی مهدویت و نقش آفرینی آن در به سعادت رساندن بشر اشاره می‌کنند. آنها معتقدند با شناسایی قابلیت‌ها و استعدادهای درونی این دکترین می‌توان راهکارهای جاودانه‌سازی و جهانی‌سازی آن را فراهم ساخت.

۱۰. «بازار مهدویت در عصر غیبت تابع از گفتمان مدنیت در قانون طبیعت» تالیف محمدجواد جاوید، پژوهشی است درباره نیازمندی بشر معاصر به راهنمای معنوی که او را از سردرگمی و اشتباهات فکری و غوطه‌ور شدن در اصطلاحات و تفسیرهای بی‌محتوا برهاند. نویسنده با مفروض برشمردن مسئله حیرانی بشر امروزی، به دنبال یافتن پاسخی به پرسش‌های او، به فرضیه‌ای پرداخته است با عنوان گفتمان پیامبری خاتمیت ندارد و در این فرضیه می‌خواهد مباحث مهدویت را نیاز معنوی بشر امروز بشمارد و لذا به گفتمان مهدویت در چهارچوب قوانین طبیعت می‌پردازد.

۱۱. «مهدویت و زبان دین» تالیف حسین الهی‌نژاد است که در آن به اثبات شناختاری بودن قرآن و روایات در جایگاه منابع مهدویت و همچنین اثبات قابل شناخت بودن قضایای مهدویت با دلایل خاص و بیان عوامل شکل‌گیری زبان دین در غرب و نفی آن از ساحت اسلام و مهدویت پرداخته است. نویسنده با هدف دفع اتهام از بی‌معنایی و غیرشناختاری بودن گزاره‌های دینی و مهدویت و مفاهیم همسو با آن، مانند گزاره‌ها و قضایای کلامی ناظر به آینده‌نگری مهدویت، به مفهوم‌شناسی موعودگرایی، مهدویت، فلسفه دین، زبان دین، مکتب پوزیتیویسم، نماد و سمبلیک و تمثیل‌گرایی در متون دینی پرداخته و برخی رویکردها درباره زبان دین را بیان کرده است.

وی نقش باورهای مهدویت مانند امید و امیدواری، اصلاح و اصلاح‌گری را تأثیرگذار می‌داند و قرآن و روایات را از نظر عقلی قابل شناخت معرفی می‌کند. ۱۲. و نهایتاً، «عقلانیت در دکترین مهدویت»، نوشته مریم معین‌الاسلام است که به ارائه تحلیلی از وضعیت عقلانیت و آسیب‌ها و نواقص آن و نیاز به آموزه‌های مهدوی در رفع آسیب‌های مزبور پرداخته است. نویسنده ابتدا تعریف و کارکردهای عقل را مورد بحث قرار داده؛ سپس در صدد تحلیل تاریخ عقلانیت و پیوند آن با عصر روشنگری و ظهور مدرنیته و محدوده‌ی عقل مدرن، تکامل تاریخی، و نظریه‌ی کفایت خرد جمعی برآمده است.

ادبیات و مبانی نظری

در ادامه به تعاریف مربوط به موضوع به اختصار پرداخته می‌شود.

۱. «گفتمان»: اصطلاح گفتمان، رویکردی ساختاری به متن است که امکان اتصال متن به جنبه‌های جامعه‌شناختی را فراهم می‌کند. این واژه که در سیر تکاملی خود به پیکره‌ای منسجم و معقول از گفتار و نوشتار نیز اطلاق شده، در زبان فارسی از ترکیب مصدر مرخم گفتن «گفت» و پسوند «مان» ساخته شده که در واقع با اضافه شدن پسوند «مان» به گفت، از یک سو «گفتن» از معنای عام و معمولی خود خارج و آماده پذیرش معنای خاص می‌شود و از سوی دیگر این ترکیب، خود به اسم ذات تبدیل می‌شود و با تبدیل شدن به اسم ذات به چیزی اطلاق می‌شود که تحقق خارجی دارد.^۱

۲. «آینده‌پژوهی»: مشتمل بر مجموعه تلاش‌هایی است که با واکاوی منابع، الگوها، و عوامل تغییر یا ثبات، به تجسم آینده‌های بالقوه و برنامه‌ریزی برای آنها می‌پردازد. آینده‌پژوهی بازتاب‌دهنده

۱. به لحاظ پیشینه، باید گفت که دهه ۱۹۵۰ عصر ظهور اصطلاح گفتمان در گستره علوم مختلف اجتماعی و انسانی بود. این مفهوم در کمتر از دو دهه حضوری مداوم و عمیق در اکثر رشته‌های علوم اجتماعی و ارتباطی یافت. تحلیل‌های جامعه‌شناختی از این مفهوم که ظاهراً برای اولین بار در مقاله «تحلیل گفتمان» نوشته «زلیک هریس» (۱۹۵۲) زبان‌شناس معروف فرانسوی به کار رفته بود، در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ وارد عرصه‌های زبان‌شناسی، نقد ادبی، روان‌کاوی، فلسفه، نظریه سیاسی، نظریه اجتماعی و نظریه فرهنگی شد. البته قابل ذکر است که گفتمان در معنای فنی، علمی و زبان‌شناسانه خود، اولین بار در اواسط دهه ۱۹۶۰ توسط اندیشمند معروف فرانسوی «امیل بنونیست» به کار گرفته شد و رواج یافت. از جمله افراد دیگری که در عرصه تعریف و تبیین این اصطلاح وجود دارند می‌توان به این موارد اشاره کرد: مایکل مان (۱۹۸۹) که با نگاهی جامعه‌شناختی به تعریف گفتمان پرداخته است، دایان مک دانل دانشمند علوم اجتماعی و زبان‌شناس معروف، میشل فوکو (۱۹۷۲)، مایکل استابز (۱۹۸۳)، ولنتین ولوشینف زبان‌شناس معروف روسی، ارنستو لاکلاو و شانتال موفی از متفکران پسااستخارگرای ساکن در انگلستان و تئون ای. ون‌دایک (۱۹۴۳).

که این مفهوم از واژه لاتینی «Doctrina» گرفته شده است و با سه تعریف ۱. نوعی از جهان بینی؛ ۲. مجموعه‌ای از نظام‌های فکری؛ ۳. اصولی برای خط‌مشی دولت‌ها، مترادف است. از این رو، در تعریف آن گفته شده است که دکترین، نوعی از جهان بینی است که برنامه‌های سیاسی بر اساس آن، پایه و بنیاد گرفته باشد یا مجموعه‌ای از نظام‌های فکری است که بر پایه اصول معینی مبتنی باشد. همچنین به تنظیم اصولی که بر طبق آن، دولت‌ها مشی خود را به‌ویژه در روابط بین‌المللی تعیین می‌کنند، اطلاق می‌گردد (علی‌بابایی و آقایی، ۱۳۶۵، ص ۲۷۰).

۶. «ترمینولوژی دکترین»: با کنکاش و بررسی درباره واژه و مفهوم دکترین در ترمینولوژی و فرهنگ اصطلاحات سیاسی، می‌توان گفت این واژه در ادبیات علوم سیاسی و اجتماعی متداول است و در معنای سوم، کاربرد بیشتری دارد؛ مانند دکترین برژنف^۴، دکترین مونرو^۵، دکترین فرانک سیناترا^۶، دکترین ضرورت نظامی، دکترین اطاعت کورکورانه، دکترین یک لیوان آب^۷ که همه این دکترین‌ها شامل مطالب زیر هستند: اینکه در چه زمانی و چرا یا به چه سببی چنین دکترینی صادر شده است؟ چه اصولی را دربرمی‌گیرد؟ اینکه خاصیت دکترین این است که باید به آن عمل شود،^۸ آن هم در یک برهه‌ای از زندگی و حیات سیاسی.

آرمانشهر ایرانی - اسلامی

اشتیاق بشر برای دانستن درباره آینده از عهد باستان وجود داشته‌است. پیشگویان و کاهن‌ها نمونه‌هایی از کسانی هستند که در گذشته تلاش داشتند، به نحوی به این اشتیاق در نزد خاص و عام پاسخ دهند. نخستین نشانه‌های جدی تر توجه بشر به آینده در عصر روشنگری دیده می‌شود، دورانی که

چگونگی زایش واقعیت «فردا» از دل تغییر (یا ثبات) «امروز»، است. آینده‌پژوهی برابر عبارت لاتین «Futures Study» است. واژه جمع Futures به این دلیل استفاده شده‌است که با بهره‌گیری از طیف وسیعی از روشها و بجای تصوّر «تنها یک آینده»، به گمانه‌زنی‌های نظام‌مند و خردورانه، در مورد نه تنها «یک آینده» بلکه «چندین آینده متصوّر» مبادرت می‌شود. موضوعات آینده‌پژوهی دربرگیرنده گونه‌های «ممکن»، «محتمل» و «دلخواه» برای دگرگونی از حال به آینده هستند (برایسون ریچارد، ۱۳۹۱).

۳. «نظریه آرمانشهری»: نظریه آرمانشهر مبتنی بر پندار خوش بینانه نسبت به امکان ایجاد شهرهایی است که از هر نظر، نظام-یافته و زیر نظارت دقیق دولت یا سازمانهای ویژه دینی یا سیاسی و حقوقی قرار داشته باشد و یا بوسیله فلاسفه، حکما یا ایدئولوگ‌ها اداره شود. لوکوربوزیه صاحب نظریه در این زمینه است که در کتاب «پیشگامان طراحی» نوین آمده است. آغاز شهرهای آرمانی مدرن را از انگلستان دانسته‌اند (سیف‌الدینی، ۱۳۸۱، ص ۴۸۰).

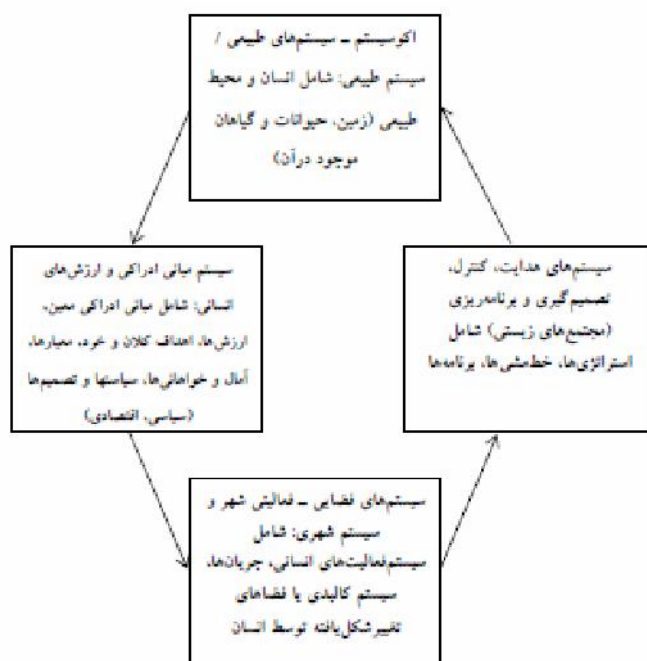
۴. «آرمان آرمانشهری»: رشته مهمی در توسعه برنامه‌ریزی و معماری و مبتنی بر آرمانهای اصلاح طلبان آرمانشهری انگلستان، آمریکا و فرانسه مانند «رابرت اوئن»^۱، «ایتنن کابه»^۲، «شارل فوریه»^۳ است. هر یک تلاش داشتند تجربه‌های اجتماعی ویژه‌ای را به اجرا گذارند که در آنها، آرایش فیزیکی ساختمان بتواند معایب آشکار شهر صنعتی را اصلاح کند و به انسان امکان دهد بصورت موجودی خردمند و به کمال رسیده، شکوفا شود.

۵. «دکترین»: در تعریف دکترین گفته شده است

1. Rober owen
2. Etienne cabet
3. Charles Fourier
4. Brezhnev Doctrina

5. Doctrine monaroe
6. Frank Sinatra Doctrine
7. One Glass of Water Doctrine

۱. برای مثال، دکترین مونرو بر اساس دو اصل: ۱. تشکیل مستعمرات جدید؛ ۲. ممنوع بودن دخالت سیاسی دولت‌های اروپایی در قاره آمریکا پایه‌گذاری شد و دلیل طرح این دکترین هم دو مسئله بوده است: ۱. دولت روسیه از کشتی‌های غیر روسی در شمال غربی امریکای شمالی جلوگیری کرد؛ ۲. به دلیل ترس از اتحاد مقدس دولت‌های اروپایی با اینکه این دکترین هرگز از سوی حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته نشد، ولی امریکا به این دکترین در برهه‌ای خاص عمل کرد. (نک: غلامرضا علی بابایی و دکتر بهمن آقایی، ۱۳۶۵، ص ۱۵۶).



نمودار ۱. ویژگی‌های سیستمی و وضعیت آرمانشهری؛ ماخذ: نگارنده.

بشر باور داشت که علوم برای هر چیزی راه حلی خواهند یافت. قوانین نیوتن در مورد حرکت، درک و تحلیل بسیاری از پدیده‌ها را ممکن ساخته بود. در اثر رشد شتابان علوم در این دوره، اندیشمندان عصر روشنگری واقعاً به این نتیجه رسیده بودند که تنها زمان می‌خواهد تا همه قوانین و قواعد جامعه و محیط پیرامون بشر معلوم و آشکار شود. در همین دوران، بر خلاف گذشته که بیشتر اندیشمندان، افق‌های کاملاً روشنی از آینده (آرمانشهر)، تصویر می‌کردند، تجسم‌های تیره‌تری از آینده نیز موجودیت یافت. آثار اندیشمندانی چون «اچ. جی. ول»^۱، «جورج اورول»^۲ و «آلدوس هاکسلی»^۳ از زمره چنین اندیشه‌هایی محسوب می‌شود و با چنین نمونه‌هایی است که کلاً آینده پژوهی راه خود را به ادبیات باز می‌کند. کامیابی خیره‌کننده رمان‌های «ژول ورن»^۴ و پا گرفتن سبک علمی تخیلی در ادبیات، در ادامه همین راه رخ می‌دهد. در تلاش‌های انسان

برای رازگشایی از آینده و کشف آینده‌ها می‌توانیم چند دوره را بررسی کنیم. یکی از دوره‌ها یا چهار گونه آینده پژوهی را که بر این اساس تقسیم‌بندی می‌کنند، دوران ستاره‌شناسی است. در این دوران اعتقاد بر این بود که جهان مادی دارای یک الگوی نگاشت یافته و نظام‌مندی است که ارتباط وثیق و معناداری با حرکت افلاک، کواکب و ثوابت، در واقع، نوعی سامانه هشدار بود که تلاشش بر این بود تا به گونه‌ای یک سامانه هشدار فراهم کند که مثلاً قمر در عقرب است و نباید این کار را انجام دهیم؛ یا مثلاً سعد بودن و نحس بودن ایام و روزگار مطرح بود. دوره بعدی را دوره پیشگویی می‌دانند. این دوره یا این نوع از آینده پژوهی، مبتنی بر این فرض بود که برخی از افراد یا اندیشه‌ها به لایه‌های عمیق‌تر و سطوح زیرین ذهن افراد دسترسی دارند و به نوعی می‌توانند برخی از حوادث را پیشگویی کنند؛ همان چیزی که ما در آینده‌شناسی از آن صحبت کردیم

1. H.G.Well
2. George Orwell

3. Aldous Huxley
4. Jules Verne

(گروه مطالعات آینده نگر، ۱۳۹۱، ص ۱۲).

آینده پژوهی

در «آینده پژوهی» همواره صحبت از آینده‌ها است. آینده‌پژوهان معتقدند چندین آینده متفاوت می‌تواند شکل بگیرد. هر فرد، سازمان و کشوری می‌تواند آینده خود را طراحی و معماری نماید. آینده‌های ترسیم شده از عدم قطعیت برخوردارند و هیچ‌گاه نمی‌توان انتظار داشت که به طور کامل محقق گردند. اما غیب‌گویان معتقدند فقط یک «آینده محتوم» وجود دارد و امکان تغییر ارادی و یا غیرارادی در این آینده قطعی وجود ندارد. همچنین آینده پژوهی به دنبال یک برخورد فاعلانه با آینده است^۱. در توصیفی عمومی آینده پژوهی می‌تواند روش علمی و تجربی برای درک و فهم آینده باشد. در خلال سال‌های زایش و بالندگی آینده پژوهی، همواره مجادله و گفت‌وگویی بر سر گزینش بهترین نام و عنوان برای این حوزه از پژوهش در جریان بوده است. دشواری‌های نامی کامل برای این حوزه، برخاسته از این واقعیت است که مطالعه آینده همچنان مسیر دانشگاهی متمایزی برای مطالعه و پژوهش بوده است (خزایی و محمودزاده، ۱۳۹۲، ص ۲۸). در واقع در آینده پژوهی، همواره سخن از آینده‌ها است و آینده پژوهان باور دارند که فرا روی هر فرد، سازمان و یا جامعه‌ای، آینده‌هایی متفاوت وجود دارد و آینده مطلوب را باید طراحی و معماری کرد. آینده پژوهان به دنبال کشف، ابداع، ارزیابی، آزمون و ارزیابی آینده‌های ممکن، محتمل و مطلوب هستند. آنان انتخاب‌های مختلفی را جمع به آینده فراروی انسانها قرار میدهند و در انتخاب و پی‌ریزی مطلوب‌ترین آینده به آنان کمک میکنند. طبق تعریف، آینده‌نگاری فرایندی است مبتنی بر گفت‌وگوهای اجتماعی معطوف به آینده، با حضور

۱. «آینده‌شناسی» یعنی از یک آینده تغییرناپذیر صحبت کردن و یک آینده را پیش بینی کردن. آینده‌اندیشی دالاتی است برای رسیدن به آینده پژوهی. این همان دانشی است که موضوع بحث ماست و از آن صحبت می‌کنیم؛ گاه از آن جهت که در تفکرها و در فرهنگ‌های مختلف، روایت جدیدی از آینده پژوهی داریم. در ژاپن میزا، در روسیه پراگوتویا، در فرانسه پرسپکتیو، در اروپای غربی فورسایت و در سنت آمریکایی فیوچرز استادیس؛ اما همه اینها در واقع به معنا و مفهوم آینده پژوهی است (گروه مطالعات آینده نگر، ۱۳۹۱، ص ۷). آینده پژوهی شاخه‌ای از علوم انسانی که با ویژگی‌های انسانی جامعه سرو کار دارد، از این رو، به مبانی نظری و فلسفی رایج در جامعه بستگی مستقیم دارد. بر این قیاس، آینده پژوهی دانشی ارزش بنیان است و به همین سبب ارتباطی تنگاتنگ و ناگسستنی با جهان بینی، ایدئولوژی و فرهنگ ملت‌ها دارد.

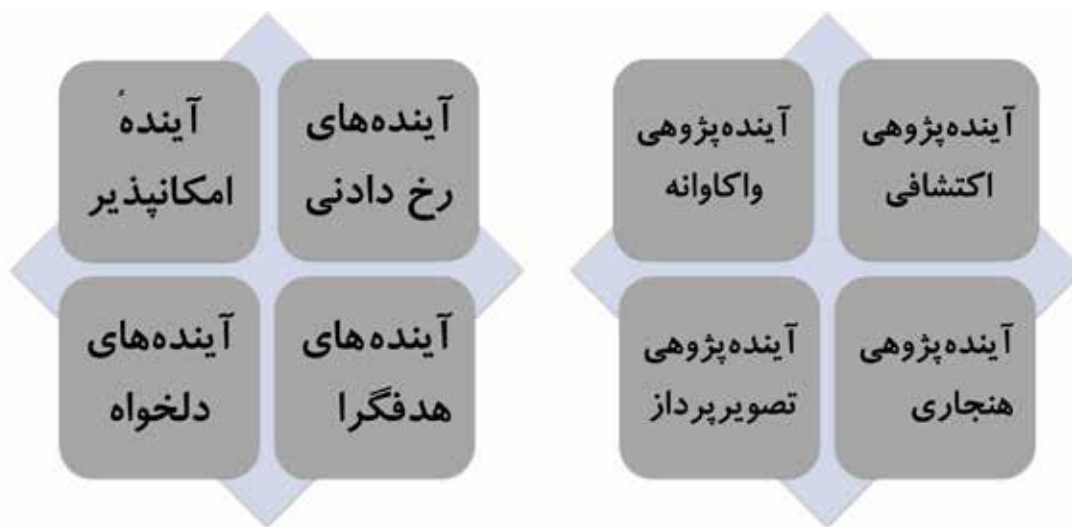
گروه‌های کثیری از خبرگان رشته‌های مختلف و نمایندگان همه ذی‌نفعان یک موضوع و به منظور خلق چشم‌اندازهای همه‌جانبه و بلندمدت از آینده، نتایج آینده‌نگاری مبنای برنامه‌ریزی استراتژیک را تشکیل می‌دهند، در آینده‌نگاری مشارکت گسترده‌ی افراد و سازمان‌ها در فرایند انجام آن، علاوه بر آن که موجب می‌شود از منظرهای گوناگون اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی بررسی شده و راه‌کارهای معماری آینده ارائه می‌شود، انگیزه و باور عمومی را برای شکل بخشیدن به آینده مطلوب را در سطح وسیعی ایجاد می‌کند. معرفت‌شناسی آینده پژوهی، در حقیقت، نظریه‌ای معرفتی در باب دعاوی راستین مربوط به گذشته و حال، و به ویژه گزاره‌های صدق‌گونه‌ای است که آینده‌پژوهان درباره آینده مطرح می‌کنند. آیا مجادلات اخیر در حوزه فلسفه علم معماری و شهرسازی که پرسش‌هایی جدی درباره تلقی استاندارد - یا به تعبیر ما، دیدگاه مقبول در مطالعات شهری یا رویکردهای نظری معماری و شهرسازی - مطرح ساختند، تأثیری بر آینده پژوهی داشته‌اند؟

۱. «آینده‌شناسی» یعنی از یک آینده تغییرناپذیر صحبت کردن و یک آینده را پیش بینی کردن. آینده‌اندیشی دالاتی است برای رسیدن به آینده پژوهی. این همان دانشی است که موضوع بحث ماست و از آن صحبت می‌کنیم؛ گاه از آن جهت که در تفکرها و در فرهنگ‌های مختلف، روایت جدیدی از آینده پژوهی داریم. در ژاپن میزا، در روسیه پراگوتویا، در فرانسه پرسپکتیو، در اروپای غربی فورسایت و در سنت آمریکایی فیوچرز استادیس؛ اما همه اینها در واقع به معنا و مفهوم آینده پژوهی است (گروه مطالعات آینده نگر، ۱۳۹۱، ص ۷). آینده پژوهی شاخه‌ای از علوم انسانی که با ویژگی‌های انسانی جامعه سرو کار دارد، از این رو، به مبانی نظری و فلسفی رایج در جامعه بستگی مستقیم دارد. بر این قیاس، آینده پژوهی دانشی ارزش بنیان است و به همین سبب ارتباطی تنگاتنگ و ناگسستنی با جهان بینی، ایدئولوژی و فرهنگ ملت‌ها دارد.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۹ تابستان ۹۴
No.39 Summer 2015

۱۴۳



نمودار ۲. انواع آینده و انواع آینده پژوهی؛ ماخذ: ترسیم نگارنده.

ابتدایی و ساده است و به گونه‌ای ناخودآگاه از وضعیت موجود دفاع می‌کند و معتقد است آینده با علم و فناوری بنا نهاده می‌شود. این روش محافظه کار بوده و در عین حال بیش از حد مبتنی بر فناوری است و اغلب فاقد مفروضات لحاظ شده است؛ ۲. «آینده پژوهی مسئله محور»: این روش اخیر تلاش دارد با شناسایی و تعریف مشکلات و موانع، برای آنها راه‌حل‌هایی، هرچند ظاهری و غیرمتمن ارائه نماید؛ ۳. «آینده پژوهی انتقادی»: این روش اهتمام ویژه‌ای به تحلیل فرضیه‌ها، تصورات و پارادایم‌ها دارد. در روش انتقادی پس از مطالعه و بررسی بر روی محورهای یاد شده، تأثیر سوگیری‌های مختلف فرهنگی و سنت‌های تحقیق بر کار پژوهش آینده، مورد توجه قرار می‌گیرد؛ ۴. «آینده پژوهی معرفت شناسانه»: این روش می‌کوشد تا ثابت کند که مشکلات و گرفتاری‌های ما ریشه در نگرش ما به جهان و راه‌های شناختی ما داشته و راه‌حل‌ها نیز از دگرگونی‌های نهفته و غیرقابل پیش‌بینی در این سطح ناشی می‌شود.

فرایند آینده نگاری

فرایند انجام هر برنامه آینده نگاری شامل چهار فاز است:

۱. «فاز یک»: تعیین چارچوب و الگوی مفهومی؛

که می‌خواهیم بر جوامع آینده حاکم باشند). توجه به آینده‌های ممکن است که علی‌رغم تردید در رخ دادنشان، تحقق برخی از آنها اثر بزرگی بر زندگی مردم می‌گذارد.

۲. «پژوهش در آینده»: بر اساس موازین علمی و خردورزی، مردم از هم‌اکنون باید بدانند که آینده ممکن است آبستن چه پیشامدهایی باشد؛ کدام پیشامدها احتمال وقوع بیشتری دارند؛ و در میان آن‌ها کدام‌یک از مطلوبیت بیشتری برخوردار است. بر همین بنیان، سه رویکرد به مطالعه آینده وجود دارد (به نقل از ویکی پدیای فارسی): «آینده پژوهی واکاوانه یا تحلیلی»، که گاه «آینده پژوهی اکتشافی» نیز نامیده می‌شود؛ «آینده پژوهی تصویرپرداز»؛ و «آینده پژوهی هنجاری»، که گاه «آینده پژوهی مشارکتی» نیز نامیده می‌شود.

۳. «سطوح آینده پژوهی»: از آنجا که آینده پژوهی یک دانش بین رشته‌ای است و کاربردهای فراوانی در حوزه‌های مختلف دارد، بسته به موضوع مورد مطالعه، روش مطالعاتی و ارزش‌های آینده پژوه، دارای سطوح متفاوتی است، ریچارد اسلاتر این سطوح را چنین تقسیم‌بندی کرده است: «۱. «آینده پژوهی عامه‌پسند»: این شیوه مبتنی بر مفروضات حاکم بر روابط اجتماعی است. آینده پژوهی عامه‌پسند،



تصویر ۲ (سمت چپ). تصویری از اتوییا اثر تامس مور؛
ماخذ: ویکیپدیای فارسی، تاریخ اخذ: ۱۳۹۳/۳/۳.

شده، متغیرهای کلیدی برنامه مشخص می‌شوند. این فاز نیز خود شامل دو گام شناسایی و انتخاب گزینه می‌باشد: «شناسایی»: شناسایی کارشناسان، دست‌اندرکاران و افراد تاثیرگذار در فرایند و شناسایی مؤلفه‌های مربوط و زیربخش‌های موردنظر؛ درک و تبیین رسالت برنامه و «انتخاب»: دسته‌بندی افراد مرتبط با برنامه، انتخاب کارشناسان، ایجاد چارچوب مفهومی کلی که یک مدل مرجع برای فهم سیستم و پایه‌ای برای تصمیم‌گیری است.

۳. «فاز سه»: تهیه سناریو؛ در این فاز برهم‌کنش بین متغیرهای کلیدی تحلیل می‌شود و از این طریق تعدادی سناریو طراحی می‌شود.

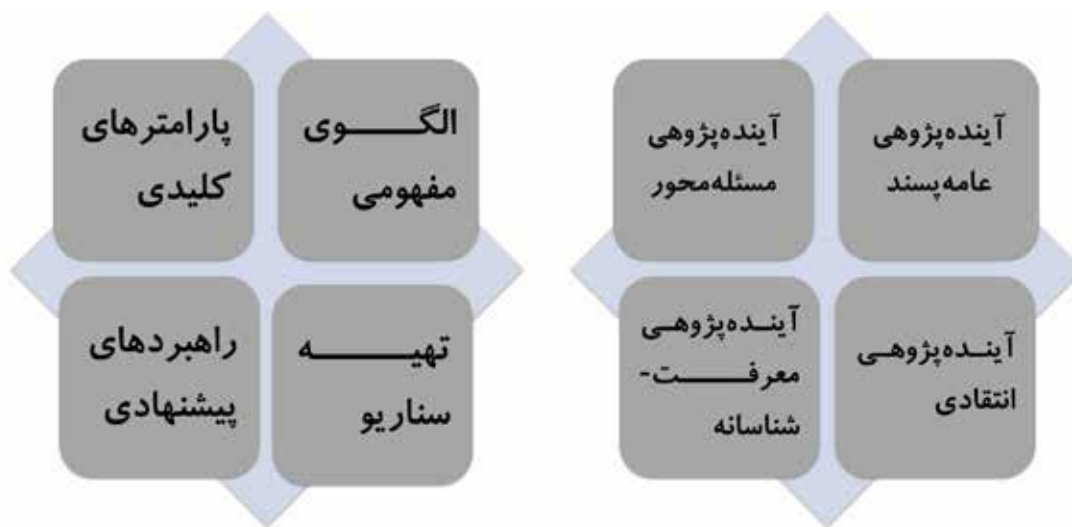
۴. «فاز چهار»: اشاعه نتایج و تدوین راهبردهای پیشنهادی؛ اشاعه نتایج و تدوین راهبردهای پیشنهادی اهمیت برابری دارند که بر حسب نوع و اهداف برنامه آینده‌نگاری تغییر می‌کنند.



تصویر ۱ (سمت راست). باغ عدن اثر هیرونیموس بوش؛
ماخذ: ویکیپدیای فارسی، زمان اخذ: ۱۳۹۳/۴/۱۱

هدف این فاز سازمان‌دهی و استقرار پایه‌های برنامه است. این مرحله که شامل تعیین هدف، روش‌شناسی و انتخاب کارشناسان برنامه آینده‌نگاری است.

۲. «فاز دو»: تعیین پارامترهای کلیدی؛ با استفاده از گروه‌های متنوع کارشناسان و اطلاعات جمع‌آوری



نمودار ۳ (سمت راست). سطوح آینده پژوهی و (سمت چپ). فرآیند آینده نگاری؛ ماخذ: ترسیم نگارنده.

گفتمان آینده پژوهی و آینده معماری شهری

آینده امری است که انسان می تواند آن را با اقدامات هدفمند خود طراحی کرده و شکل دهد. آدمی برای آنکه عاقلانه عمل کند، بایستی نسبت به پیامدهای اقدامات خود، دیگران و واکنشهای آنان و همچنین نسبت به نیروهایی که خارج از کنترل اوست، آگاهی و شناخت کافی داشته باشد. که این پیامدها تنها در آینده خود را نشان می دهند. بنابراین به منظور مطالعه این موضوعات، رشته جدیدی پدید آمد که هدفش مطالعه منظم و نظامدار آینده است؛ این رشته به نامهای مختلفی همچون «مطالعات آینده، قلمرو آینده، تحقیقات درباره آینده، آینده پژوهی، و یا آینده نگری» نامیده می شود و متخصصان آن نیز آینده پژوه نامیده میشوند. امروزه تغییرات با آهنگی پرشتاب تر رخ می دهند. تغییرات فناوری و به دنبال آن تغییر در دیگر جنبه های زندگی، افزایش روزافزون وابستگی متقابل کشورها و ملل، تمرکززدایی جوامع و نهادهای موجود که به دلیل گسترش فناوری اطلاعات، شتاب بیشتری یافته است، تمایل روزافزون به جهانی شدن به همراه حفظ ویژگی های ملی، قومی و فرهنگی و بسیاری عوامل دیگر، لزوم درک بهتر از «تغییرات» و «آینده» را برای دولت ها، کسب و کارها، سازمان ها و مردم ایجاب

می کند. آینده اساساً دارای عدم قطعیت است. با این همه آثار و رگه هایی از اطلاعات و واقعیت ها که ریشه در گذشته و اکنون دارند، می توانند رهنمون ما به آینده باشند. در «جمهوریت» افلاطون نگرش به جامعه آینده بر اساس عدالت شکل گرفته است. خدایشهر، سنت آگوستین، جامعه ای است که بر محبت و عشق بنیان نهاده شده در تقابلی آشکار با انسان شهر قرار دارد که بر پایه غرور و خودخواهی بنا شده است. سنت آگوستین معتقد است: خدایشهر آرمانی او را می توان به شیوه ای واقعی و از راه ایجاد تغییر در ساختار انسان شهر پی ریزی کرد. ما همچنین می توانیم به «آتلانتیس نوین» فرانسیس بیکن نظری بیندازیم. این آرمان شهر، جامعه ای بر مبنای گسترش انسانی را طراحی می کند. در «آرمان شهر» توماس مور نیز مالکیت اشتراکی اموال و سرمایه ها در کانون توجه و نظریه پردازی قرار دارد و انسان بخشی از این جامعه ی آرمانی به شمار می رود. آینده پژوهی فراتر از پیش بینی است و ادعای پیش گویی هم ندارد. آینده پژوهی هنر شکل دادن به آینده است، به آن شکل که آینده را می خواهیم. کسانی که این دانش را در دست دارند هم اکنون هم به آینده جهان به دلخواه خواسته خود، شکل می دهند. می توان کشورها و جوامعی

را دید که نتوانستند خود را با تحولات سازگار کنند و از این جهت از هم فروپاشیدند. آنها ذات تغییر را درست نشناختند. آینده‌شناسی از این منظر دانش شناخت تغییرات است. شناخت آینده از حیاتی‌ترین علوم مورد نیاز هر انسانی است. از نظر برخی نویسندگان مانند مارین ۱۹۸۷، آینده پژوهی چنان از هم گسیخته است که نمی‌توان آن را حوزه ای یکپارچه به شمار آورد. بی تردید آینده پژوهی گستره وسیعی از موضوع‌ها را در بر می‌گیرد. هر پدیده‌ای، احتمالاً آینده‌ای دارد و به همین دلیل این احتمال نیز وجود دارد که ما از آینده تمامی پدیده‌ها را کندوکاو کنیم، از موجه خوار و خانواده و سیاست تا فیزیک، گیتی، و مخمرشناسی، همگی می‌توانند موضوعی برای آینده پژوهی باشند، افزون بر این، کارشناسان مورچه خواران، خانواده و سیاست، صلاحیت اظهار نظر درباره آن‌ها را دارند، نه آینده پژوهان. با این همه، برای تلاش یکپارچه و کل‌گرایانه‌ی آینده پژوهان نیز جایگاهی وجود دارد. این جایگاه گرچه مبتنی بر دانش تخصصی است اما اغلب، آینده پژوهی را در جایگاهی فراتر از دانش تخصصی قرار می‌دهد. کارشناسان، گاه از درک چگونگی تاثیر رویدادها، فرایندها و اقدام‌های خارج از حوزه تخصصی خود و پدیده‌های مورد مطالعه، ناتوان هستند. افزون بر این، حوزه‌های مطالعاتی دیگری که توانسته‌اند تا اندازه‌ای انسجام فکری خود را حفظ کنند، تفاوت چندانی با آینده پژوهی ندارند. ادامه «تصمیم‌گیری صرفاً چندین آینده محتمل بر اساس تجارب گذشته»، غفلت از رصد تغییرات آتی را در پی خواهد داشت و با تلخکامی روبرو خواهد شد. عدم قطعیت نهفته در آینده برای برخی، توجیه‌کننده نداشتن دور اندیشی آنان و برای عده‌ای دیگر منبعی گرانبها از فرصت‌هاست. به طور ویژه مطالعه در گذشته نزدیک و حتی امروز در حوزه رویکردهایی که با مفاهیم فلسفی غرب به ویژه دیدگاه‌های «جان لاک»، «جی دابلیو لایبنیتس»، «فردریک هگل»، «مانوئل کانت» مرتبط هستند.

رویکرد نخست از نیاز به تغییر شتابان و آگاهی از مقصد جهان ناشی می‌شود. این رویکرد شامل داده‌هایی از گذشته و حال است که راهی به سوی آینده‌های متحمل را به تصویر می‌کشد و کمک می‌کند که تشخیص دهیم اندیشه شکل گرفته است که چیزی در حال تغییر است. این رویکرد شناخت آینده که مبتنی بر استنباط و سنگین ساختن کاربرد شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی است، به گونه‌ای گسترده از پایان جنگ جهانی دوم تا اواخر دهه ۱۹۶۰ مورد بهره‌برداری قرار گرفته است و اکنون دوباره به عنوان رویکرد به میزان قابل توجهی از «فلسفه جان لاک» سرچشمه می‌گیرد و بر داده‌های تجربی تکیه دارد. آینده پژوهی دانشی است که بر دورنماها و پیش‌انگاشت‌های ویژه‌ای استوار است که با کمک آن‌ها به تفکر نظام یافته‌ای صریح پیرامون آینده می‌پردازد. در این دانش نظریه‌ها، روش‌ها و ارزش‌هایی وجود دارد که با شناسایی آینده‌های بدیل و تعیین آینده‌های ممکن، محتمل و مرجح، آینده فراهم ساخته تا کنترل بر آن افزایش یابد. به بیانی روشن‌تر، آینده پژوهی برای مطالعه آینده و تحقق اهداف کلیدی خود، در پی آن است که انتظارات از آینده را شناسایی کرده و کمک کند که تمامی توان و ظرفیت عوامل شکل دهنده آینده در راستای تحقق مطلوب‌ترین بدیل آینده، جهت‌دهی شوند.

روشهای آینده پژوهی در مطالعات شهری

لذا روشهای معمول و مراحل آن عبارتند از:

۱. «چشم‌اندازسازی»: چشم‌اندازسازی، تجسم و ایجاد تصویری غنی و البته نه چندان دقیق از آینده است. چشم‌انداز بر خلاف سناریو که رد پا از اکنون به آینده مشهود است، بیشتر شبیه پرش به آینده است و لزوماً نمی‌توان نحوه تدوین چشم‌انداز را دید. به همین دلیل اخذ تایید ذینفعان برای شروع کار صرفاً بر اساس چشم‌انداز، کاری مشکل است. برای مثمر‌تر بودن، چشم‌انداز باید مقرون به واقعیات و به دور از خیال پردازی باشد.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۹ تابستان ۹۴
No.39 Summer 2015

۱۴۷

۲. «**دیده بان‌های آینده**»: دیده بان‌ها در معنای عام عبارت است از زیرنظر داشتن یک زمینه خاص با هدف شناسایی چالش‌ها و فرصت‌های آتی موجود در آن زمینه. دیده بان‌ها افزون بر آینده، برای موضوعاتی که در مجاورت زمانی با پندارهای (پارادایم‌های) کنونی می‌باشند، نیز انجام می‌شود. دیده بان‌ها بویژه برای شناسایی اولیه حوزه‌های کلیدی جهت انجام ژرف کاوی بعدی و سناریوسازی یا تهیه نقشه راه برای آن‌ها بسیار رویکرد سودمندی است.

۳. «**نقشه راه**»: نقشه راه، گام‌هایی را که باید برای نیل به یک هدف برداشت، تعیین می‌کند. طیف وسیعی از انواع نقشه راه وجود دارد. نقشه راه به گمانه‌زنی در کشف محصولات مختلف ممکن در آینده کمک می‌کند و در عین حال بخش‌های کلیدی از علوم مختلف که برای ایجاد این محصولات لازم است، را نیز مشخص می‌کند.

۴. «**پس‌نگری**»: پس‌نگری با تصور آینده مطلوب شروع می‌شود و سپس با تعیین قدم‌های لازم برای افزایش شانس رسیدن به آن آینده ادامه می‌یابد. این رویکرد تنها زمانی عملی است که اهداف آینده به روشنی و به دور از هرگونه ابهام تعیین شده باشند.

۵. «**مدل‌سازی**»: کاربرد این روش در بررسی آینده یک سیستم و نیز جایی که درکی از عوامل موثر بر تغییرات سیستم در طول زمان، وجود دارد، می‌باشد. این روش ابزار ارزشمندی جهت بررسی یک موضوع پیچیده می‌باشد و در آن بررسی‌ها بیشتر بر پایه ادراکات افراد صورت می‌گیرد تا شواهد.

۶. «**شبیه‌سازی**»: در این رویکرد مثل بازیهای کامپیوتری، از متولیان موضوع خواسته می‌شود که خود را به‌عنوان بازیگران یک سناریو فرض کنند و در مورد واکنش‌های خود تصمیم بگیرند. بدین ترتیب این رویکرد روش خوبی برای سیاست‌گذاران است تا نحوه تأثیر سیاست‌های فعلی خود را بر آینده، و میزان کارایی این سیاست‌ها را در درازمدت،

شبیه‌سازی کنند.

۷. «**دلفی**»: دلفی نوعی مشاوره شامل ۲ گام (مرحله) است؛ گام یکم شامل پخش پرسشنامه با هدف جستار دیدگاه‌های اولیه از طیف بزرگی از کارشناسان یک حوزه خاص می‌شود. پاسخ‌ها گردآوری و جهت نظرسنجی دوباره برای همه شرکت کنندگان در همه پرسشی پس فرستاده می‌شود. دیگر پرسشی که از شرکت کنندگان همه پرسشی مطرح می‌شود، خودارزیابی آنها از سطح صلاحیت خود برای پاسخ به پرسشها است. دلفی روش خوبی برای بدست آوردن یک تصویر کلی از چیزهایی است که در یک زمینه خاص از علوم در حال رخ دادن است. ارسال دوباره پرسشنامه‌ها برای شرکت کنندگان نهایتاً باعث می‌شود که نوعی اجماع نظر در مورد پیش‌بینی آینده آن حوزه بدست آید.

۸. «**روندکاوی**»: روندها، الگوهای تغییر در چیزهای پراهمیت از دید مشاهده‌گر هستند که در طول زمان وقوع می‌پیوندند. نخستین گام در آینده‌پژوهی، کشف روندهایی است که هم‌اکنون در جریان هستند. این روش در حقیقت پیش‌بینی آینده از روی قرائن و شواهد تاریخی است که تغییرات یک داده در گذشته نشان می‌دهد. روندکاوی بویژه برای سنجش کارایی سیاستگذاری‌ها و نمایان ساختن مشکلات در حال ایجاد، سودمندی‌هاست.

۹. «**تجزیه و تحلیل پیش‌رانها**»: برای شناسایی پیش‌رانهایی که روندهای آتی را شکل می‌دهند، از این روش بهره‌گیری می‌شود. با این روش بویژه می‌توان تعامل بین پیش‌رانها را مورد بررسی دقیق قرار داده و بدین طریق پیش‌رانهایی اصلی که شکل دهنده آینده هستند، را تشخیص داد.

۱۰. «**سناریوپردازی**»: سناریوها تصاویری از آینده‌های محتمل هستند. این تصاویر دروناً به هم وابسته هستند. سناریوها، از اطلاعات مربوط به احتمالات و روندهای متنوع (و بعضاً واگرا)، تصاویری باورپذیر و دروناً سازگار از آینده ایجاد می‌کنند. هدف از بکارگیری سناریوها، ایجاد فضایی از ممکنات است

1. Horizon Scanning
2. Road map
3. Back Casting
4. Modeling
5. Simulation & Gaming

6. Delphi
7. Trend Analysis
8. Drivers Analysis
9. Scenario

که در آن کارایی سیاست‌های اتخاذ شده در برابر چالش‌های موجود آینده در بوته آزمایش قرار می‌گیرند.

در رویکرد آینده پژوهی فرایند برنامه ریزی شهری برای انجام فعالیت برنامه ریزی در مراحل به شرح ذیل صورت می‌گیرد: «مرحله اول: شناخت وضع موجود»؛ «مرحله دوم: تعیین مسائل کلیدی»؛ «مرحله سوم: آینده‌نگاری»؛ «مرحله چهارم: ترسیم چشم‌انداز و تعیین حوزه‌های هدف»؛ «مرحله پنجم: تهیه سبد سناریوها»؛ «مرحله ششم: گزینش سناریوی مطلوب»؛ «مرحله هفتم: هدف گذاری کیفی و کمی»؛ «مرحله هشتم: سیاست گذاری»؛ «مرحله نهم: تدوین پروگرام‌های اجرایی»؛ «مرحله دهم: اجرا و پایش فرآیند»؛ «مرحله یازدهم: بازخورد».

مهدویت در آیین ادیان

در ادیان الهی مهدویت و اعتقاد به ظهور مهدی موعود یک اعتقاد عام و جهان شمول است و تمامی ادیان الهی بشارت موعود و وعده منجی را سر داده‌اند و معتقدند که کار نیمه تمام و ناتمام انبیاء و ادیان الهی به دست این مرد بزرگ کامل خواهد شد. اینک ما به بررسی فرهنگ مهدویت در سطح ادیان الهی می‌پردازیم.

۱. «مهدویت در آیین مسیحیان»: اعتقاد به ظهور منجی آخرالزمان در آیین مسیح به قوت پذیرفته شده است. بنابر اعتقاد مسیحیان نجات دهنده، فارقلیط به معنای تسلی دهنده و شفیع و مددکار است؛ اما در عهد جدید، مراد از آخرین نجات‌دهنده همان عیسی مسیح است که بار دیگر زنده خواهد شد و جهان سراسر فساد و تباهی را نجات خواهد داد. از جمله کتب مسیحیت می‌توان به انجیل متی، لوقا، مرقس، برنابا و مکاشفات یوحنا اشاره کرد. مسیحیان معتقدند حضرت مسیح موعود یهود می‌باشد. یهودیان، ناکامی آن حضرت را در تشکیل حکومت جهانی، دست‌آویز رد آن مدعا نموده‌اند.

۲. «انجیل»: مهدویت و فرهنگ اعتقاد به ظهور منجی آخرالزمان در کتاب مقدس مسیحیان آمده است. در انجیل برنابا نویدهای مهدی (عج) به صراحت آمده است، ولی نظر به اینکه مسیحیان آن را معتبر نمی‌دانند؛ مورد دیگر که از نجات دهنده‌ای سخن می‌گوید که در آخرالزمان ظهور خواهد کرد، عیسی نیز با او خواهد آمد و او را جلال خواهد داد و از ساعت و روز ظهر او جز خدا کسی اطلاع ندارد و او کسی جز حضرت مهدی (عج) نمی‌باشد.

۳. «مهدویت در یهود»: موضوع مهدودیت در نزد یهودیان نیز بعنوان یک اعتقاد اصولی پذیرفته شده است. یهودیان معتقدند که در آخرالزمان منجی و رهاننده‌ای به نام «ماشیح» ظهور خواهد کرد که او را از نسل حضرت داوود (ع) می‌شمارند. در کتاب مقدس یهودیان، عبرانی، عنوان مسیح یا ماشیح به معنای مسح شده خداوند توصیف شده است و عدم اعتقاد به ظهور ماشیح به منزله انکار گفتار حضرت موسی و دیگر انبیای بنی اسرائیل تلقی می‌شود.

۴. «زبور»: در زبور حضرت داوود (ع) که تحت عنوان «مزامیر» در کتاب عهد عتیق آمده است، نویدهای در موردت ظهور حضرت مهدی (عج) داده شده است. تا جایی که می‌توان گفت، در هر بخش زبور اشاره‌ای به ظهور آن حضرت شده است. جالب توجه این که مطالبی که قرآن کریم پیرامون ظهور حضرت مهدی (عج) از زبور نقل کرده، در زبور فعلی عیناً موجود است، و از تحریف مصون مانده است. قرآن کریم چنین می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»؛ و در حقیقت، در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد. طبق روایات متواتر اسلامی، این آیه مربوط به ظهور حضرت مهدی (عج) می‌باشد.

۵. «مهدویت در تورات»: در سفر پیدایش چنین می‌خوانیم: نام تو ابراهیم خواهد بود، اما در خصوص اسماعیل تو را اجابت فرمودم. اینک او را برکت داده بارور گردانم، و او را بسیار کثیر گردانم، دوازده رئیس

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۹ تابستان ۹۴
No.39 Summer 2015

۱۴۹

از وی پدید آیند و امتی عظیم از وی بوجود آورم، از ابراهیم امتی بزرگ و زور آور پدید خواهیم آمد و جمع امت‌های جهان از او برکت خواهند یافت. نکته: از نسل حضرت اسماعیل (ع) تنها یک پیامبر یعنی وجود مقدس پیامبر اکرم (ص) به رسالت برگزیده شدند. به علاوه تمامی جانشینان آن حضرت نیز از نسل حضرت اسماعیل (ع) می‌باشند. برای توضیح بیشتر می‌توان در عهد عتیق به کتاب‌های اشعیا نبی (فصل ۱ و ۴۵)، ذکریا نبی (فصل ۱۴)، صفیاء نبی (فصل ۳)، سلیمان نبی (فصل ۲)، حجی نبی (فصل ۲)، اول سموئیل (فصل ۲)، دوم سموئیل (فصل ۱۲ و ۲۳) و حزقیال نبی (فصل ۲۱) مراجعه نمود.

۶. «قرآن کریم»: در قرآن کریم کتاب مقدس مسلمان اعتقاد به ظهور مهدی موعود بعنوان یک اصل اعتقادی پذیرفته شده است. آنچه از بررسی آیات هدایت‌گر قرآن کریم استفاده می‌شود که دین در تمام دوران تاریخ بشر همواره یکی بوده و آن اسلام بوده و سرانجام دین اسلام همه کره زمین را فرا خواهد گرفت و بر همه ادیان جهان پیروز خواهد گردید، و این در هنگامی است که حضرت مهدی (عج) ظهور کند و حکومت واحد جهانی را تشکیل دهد و برنامه جهانی شدن اسلام و وعده‌های خداوند را تحقق بخشد. به همین جهت خداوند در قرآن کریم از زبان حضرت ابراهیم (ع)، حضرت اسماعیل (ع)، پیامبر اکرم، حواریون حضرت عیسی (ع) به هنگام بحث از گروندگان به آئین حق با لفظ اسلام، مسلم و مسلمین یاد فرموده است. از آن چه گفته شد، این نتیجه به دست می‌آید که: تأسیس حکومت واحد جهانی و ظهور مبارک حضرت مهدی با وحدت جامعه و جهانی شدن اسلام ارتباط کامل دارد. و برای اتمام نویدهای قرآن کریم ظهور حضرت مهدی یک امر حتمی و لازم است، چه آن که بدون تحقق وعده‌های قرآن و ظهور حضرت صاحب الزمان (عج) اسلام ناتمام است و آن گونه که باید رسالت جهانی خود را ایفا ننموده است.

۷. «مهدویت در نگرش شیعی»: از نظر شیعه جفای امت اسلام نسبت به امام علی (ع) و فرزندان معصوم مخصوص است. او، تاریخ اسلام پس از پیامبر اکرم (ص) در حوزه سیاست و حکومت به انحراف گرائید و پیامدهای منفی متعددی نیز در پی داشت که یکی از آنها محرومیت جامعه از رهبری معنوی و آسمانی بود؟ چر که امام علی (ع) و پس از امامان معصوم (ع) پیشوایان دینی سیاسی بر حق خلافت و امامت انحصاری داشته‌اند و دیگران، غاصب حق و معصومانند و لذا (جائر) و (باطل) می‌باشند. و این انحراف تاکنون ادامه داشته است. شیعیان منتظرند که آخرین بازمانده از امامان معصوم (ع) ظهور کند و تاریخ اسلام و در نهایت تاریخ انسان را به مسیر طبیعی و الهی‌اش بازگرداند. در آن صورت، اسلام، عزیز و همگانی می‌شود و مسلمانان، توان‌مندانه بر جهان چیره می‌گردند. امام، برخلاف «امیر یا خلیفه» در نزد اهل سنت پس از پیامبر اسلام (ص) در هر عصری برترین انسان روی زمین است و هیچ کس بر او برتری ندارد. علامه مجلسی پس از نقل احادیث مربوط به اقتدای عیسی (ع) به مهدی در نماز و پس از پیش کشیدن مسئله برتری امام یا بنی می‌نویسد: آنها دو پیشوایند، یکی نبی و دیگری امام و اگر بنا باشد، هنگام حضور هر دو یکی از آنها، پیشوای دیگری باشد، او امام است که پیشوای نبی است... و اگر چنین باشد، پس امام افضل از مأموم است، زیرا در شریعت محمدی (ص) امر چنین است: مجلسی (۱۴۰۳، ۸۹/۵۱۵۱) البته این نظریه در صورتی می‌تواند نشانی از اعتبار داشته باشد که عیس صرفاً سمت نبی داشته باشد و امام نباشد. بنابراین اگر عیسی، امام هم به حساب آید، صورت فراف می‌کند. بنابراین، اقتدای عیسی (ع) به مهدی (عج) نه تنها مشکلی به وجود نمی‌آورد و نیازی به توجیه ندارد بلکه تأیید کننده این باور است که منجی و حاکم آخرالزمان مهدی موعود (عج) است و عیسی (ع) آن چه را انجام می‌دهد، تحت رهبری و امامت او و در جهت تأیید دین آخرالزمانی اسلام است.

بیشتر احادیثی که به نزول و ایفای نقش عیسی(ع) در آخرالزمان اشاره دارند و در منابع شیعی نیز ذکر شده‌اند، دارای اسناد و برگرفته از مأخذ اهل سنت هستند. این احادیث در منابع شیعی هم تأیید شدند، اما همواره نقش محوری از آن مهدی(عج) است. در باور شیعی ناظر به تولد امام دوازدهم(عج) نیز شواهد ظاهری تاریخی به گونه‌ای بود که در نظر مسلمانان غیر امامیه و حتی بسیاری از امامیه این امر محل انکار و تردید قرار گرفت. شهادت برخی یاران نزدیک امام عسکری(ع) بود که ثابت کرد. امام یازدهم صاحب فرزندى بودند که او را فقط به افراد معتمد نشان دادند. انتظار شیعه بر آن بود که زمین هرگز از جهت خداوند خالی نمی‌ماند و لذا محال بود که امامی معصوم، ولو در پس پرده غیبت وجود نداشته باشد. هم ایمان مسیحی بر عروج عیسی و هم ایمان شیعی به تولد امام غایب(عج) مبتنی بر شهادت مؤمنانی بود که چنین انتظاری از پیش در آن شکل گرفته بود.

گفتمان مهدویت و آینده جهان

مهدویت به عنوان مدینه فاضله و ظهور منجی موعود تدبیری الهی است تا آمال بشریت در طول قرن‌ها تحقق یابد. تحقق چنین عصری مستلزم آماده بودن زمینه‌ها و شرایط لازم می‌باشد. بدین جهت است که مهدویت می‌تواند با پدیده‌ای به نام جهانی شدن ارتباط پیدا کند. بدون تردید مدینه فاضله مهدوی دارای ویژگی‌هایی است که در مطالعه تطبیقی حاضر توجه به آنها ضرورت دارد. در ذیل برخی از این ویژگی‌ها و ابعاد بررسی شده است:

الف) مهدویت و فلسفه تاریخ: در مورد فلسفه تاریخ و غایت آن دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد و در برخی نگرش‌ها تاریخ خصلتی ثوری دارد و همواره در چرخه‌های خاص خود در حال تکرار است. هر چند چنین نگرشی در برخی مذاهب باستان کشل آیین هندو وجود دارد اما در ادیان آسمانی - ابراهیمی تاریخ سرانجام داشته و دارای غایتی است که در حال حکمت بدان سو می‌باشد.

شرایط جدیدی برای بش می‌باشد که یک جامعه بشری مبتنی بر فطرت الهی را به وجود می‌آورد. د چنین جامعه‌ای کل بشریت سهیم بوده و غایت و آمال تمامی انسان‌هاست. بدین جهت عصر مهدوی از تعلق به قوم و قبیله و نژاد خاصی بری بوده و غایت مشترک بشری می‌باشد. انتظار ظهور منجی موعود، در واقع، انتظار تحقق غایت بشری می‌باشد که به تدبیر الهی بر جهان حاکم خواهد شد.

ب) روی کرد جهانی مهدویت: ادیان خصلتی جهانی دارند. به دلیل وحدت ذاتی جهان هستی که همه امور به ذات حق برمی‌گردد، پیام الهی برای تمامی انسان‌هاست. و تنوع ادیان آسمانی نه به دلیل تنوع در محتوا و پیام، بلکه در ویژگی‌های عصری آنهاست. اعتقاد به مهدویت تحقق بخش فطرت بشری نیز می‌باشد. انسان فطرتاً هویتی الهی دارد و بدین جهت اشتراک بشریت د هویت اله مستلزم تحقق جامعه‌ای جهانی خواهد بود و هرگونه تعلقات عارضی جغرافیایی و قومی و نژادی در برابر چنین هویت مشترکی صبغه‌ای زوال‌پذیر و ثانوی دارند و در نتیجه توان تقابل و تعارض با هویت مشترک الهی را ندارند. از این رو اعتقاد به مهدویت به دلیل ابتناً بر هویت فطری و الهی انسان‌ها تمامی بشریت را در برمی‌گیرد و بعدی جهانی پیدا می‌کند.

ج) روی کرد الهی - دینی: همان‌طور که در عصر حاضر، پدیده جهانی شدن، عرصه بازگشت ادیان را به عرصه سیاست فراهم ساخته است و ناکارآمدی ایدئولوژی‌های مبتنی بر سکولاریسم روشن شده است، حکومت جهانی ناگزیر از توجه به عنصر دین به عنوان یک عنصر هویت‌بخش فراگیر می‌باشد. حکومت جهانی مهدوی(عج) عملاً به دلیل ابتناً بر نگرش دینی - الهی به زندگی سیاسی اجتماعی حایز چنین ویژگی و خصلت می‌باشد. در جامعه مهدوی وجود امام معصوم(ع) لطف الهی است که به هدایت خویش و اجرای کلام الهی خوی شو اجرای احکام الهی جامعه را به سوی سعادت سوق می‌دهد.

د) پیش‌رفت علوم و عقول بشری: تکامل فکری

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۹ تابستان ۹۴
No.39 Summer 2015

۱۵۱

بشری و رشد آگاهی انسان‌ها از دست‌آوردهای حکومت جهانی مهدوی تلقی می‌شود. علم و دانش یکی از مکارم و مفاخر انسانی است. حضرت آدم به واسطه این‌که از موهبت علم الاسماء بهره‌مند بود مسجود فرشتگان گردید. علم و دانش انواع و مراتب بسیاری دارد و جز پیامبران و اولیای خاص خداوند که از علوم مختلف و مراتب آن بهره‌مند بودند اکثریت انسان‌ها تنها در زمینه‌هایی خاص و به صورت محدود به آن دست یافته‌اند. یکی از دست‌آوردهای حکومت مهدوی این است که علم و دانش در همه ابعاد آن گسترش یافته و افراد جامعه از کامل‌ترین مواهب علمی برخوردار خواهد گردید.

دکترین مهدویت و آینده جهان

انواع دکترین‌های متفاوتی در رابطه با مهدویت مطرح است که در این پژوهش تنها تاکید بر دکترین نسبتاً غالب مورد پذیرش امام (ره) بوده است.^۱ از سویی دیگر، «دکترین قیام»، در دو سطح قابل بحث است: الف) دکترین قیام تپ اول یا «دکترین وجوب حکومت»؛ ب) دکترین قیام تپ دوم یا دکترین جواز تصرف.^۲

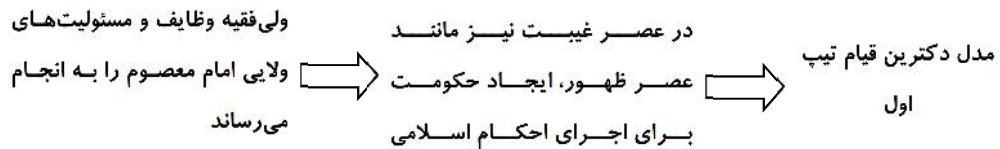
الف) دکترین قیام تپ اول یا دکترین وجوب حکومت:

در این دکترین، شبکه‌ای از مفاهیم (توحید، نبوت، عدل، امامت، معاد) بدین صورت شکل گرفته که امامت معصوم، یکی از مفاهیم پنجگانه بنیادین آن است. همچنین در راستای مفهوم امامت، به مهدویت و غیبت که یکی از ارکان اصلی تفکر سیاسی شیعه است، می‌رسیم. از این‌رو، درباره ماهیت زندگی سیاسی شیعه در دوره غیبت، یک دکترین به تعطیلی و تحریم حکومت برای تحقق احکام اسلامی حکم کرد که شرح آن گذشت و دیگری به وجوب حکومت نظر دارد. اینک برای آشنایی با نوع دوم، یعنی دکترین

وجوب حکومت، مدلی را که این دکترین به نمایش می‌گذارد، ارائه می‌دهیم. بنابراین در این دکترین، حکومت، جایگزین امامت معصوم در شرایط غیبت می‌شود و با توجه به اذن امام، بسیاری از وظایف و مسئولیت‌های ولایی امام را به انجام می‌رساند. در این دکترین گفته شده است: «هر آنچه که نبی و امام به‌عنوان سلاطین مردم و دژهای استوار اسلام در آنها ولایت دارند، فقیه نیز بر آنها ولایت دارد^۳ مگر آن‌چه که به دلیل اجماع و نص استثناء شده‌اند. فلذا هر کاری که به امور دینی یا دنیوی مردم مربوط می‌شود، می‌بایست انجام شود و هیچ راه فراری به دلایل مختلف وجود ندارد یا به حکم عقل و عادت و به لحاظ توقف امور معاش و معاد و انتظام دین و دنیا یا به حکم شرع از جهت ورود امر به آن یا اجماع و یا نفی ضرر و یا عسر و حرج و فساد بر مسلمانان یا به هر دلیل دیگر، واجب باشد و نیز کارهایی که ضرورت آن مشخص است، ولی مسئولیت آن بر عهده شخصی نهاده نشده است یا اموری که شارع، اذن داده، ولی مأمور اجرا در آن معلوم نیست، در همه این موارد، وظیفه فقیه است که تصرف نموده و آن را انجام دهد» (ایزدهی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۱).

ویژگی‌های دکترین قیام کاملاً در مقابل دکترین اسقاط تکلیف قرار گرفته است؛ چراکه نظریه‌پردازان این دکترین بر این باورند که اگر شئون و شخصیت اسلامی و نیز شعایر اسلام و احکام آن، در جامعه کمرنگ شود یا مورد اهانت قرار گیرد، به یقین، کسی که از همه بیشتر نگران و آزرده خاطر می‌شود، شخص شخیص آن، ولی اعظم خداست. از این‌رو، باید در کاستی‌ها و کمبودها بیندیشیم و برای رفع معایب و نواقص کمر همت ببندیم؛ زیرا این همه اسراف و تبذیر، این همه افراط و تفریط و این همه

۱. قائلین به دکترین وجوب حکومت ولایت فقیه به ترتیب عبارتند از: ۱. علامه حلی (متوفای ۷۲۶ هـ.ق)؛ ۲. محقق کرکی (متوفای ۹۴۰ هـ.ق)؛ ۳. ملا احمد نراقی (متوفای ۱۲۴۵ هـ.ق)؛ ۴. صاحب جواهر (متوفای ۱۲۶۶ هـ.ق)؛ ۵. امام خمینی (متوفای ۱۴۰۹ هـ.ق)؛
۲. برای اطلاعات بیشتر رک: عیسی نیا، رضا (۱۳۸۷) درآمدی بر دکترین‌های مرتبط با فلسفه مهدویت در جمهوری اسلامی؛ علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۱۵.
۳. ملا احمد نراقی، یکی از قائلین به دکترین وجوب حکومت، در این باره می‌گوید: «دلیل بر اینکه قلمرو حکومت فقیه به‌سان اختیارات پیامبر و امامان معصوم (ع) است، مقتضای ظاهر اجماع است؛ چراکه بسیاری از فقها به آن تصریح کرده‌اند، به‌گونه‌ای که از سخنان آنان فهمیده می‌شود که این امر نزد آنان از مسلمات بوده است (نک: ایزدهی، ۱۳۸۴، ص ۵۳۰).



هیچ وقت می‌گذارید تا وقتی امام زمان (عج) آمد، بخوانید؛ حفظ اسلام واجب‌تر از نماز است. منطق حاکم خمین را نداشته باشید که می‌گفت: «باید معاصی را رواج داد تا امام زمان بیاید؛ اگر معصیت رواج پیدا نکند حضرت ظهور نمی‌کند» (همان، ص ۳۷۰) این دکترین می‌گوید که اگر نظر شماها مثل نظر بعضی عامی‌های منحرف، آن است که برای ظهور آن بزرگوار باید کوشش در تحقق کفر و ظلم کرد تا عالم را ظلم فرا گیرد و مقدمات ظهور فراهم شود، فانالله و انا الیه راجعون. صاحب‌نظران این دکترین استدلال می‌کنند که اصلاً حضرت صاحب تشریف می‌آورند برای چی؟ برای اینکه گسترش بدهند عدالت را،... برای اینکه فساد را از بین ببرند (همان، ص ۳۷۱).

۳. «ایجاد حکومت»: بحث مورد نظر در این ویژگی، این است که برای رفع ظلم و آمادگی دولت کریمه، چه گام‌هایی و در چه وسعتی می‌توانیم برداریم؟ حضرت امام خمینی پاسخ این پرسش را در ایجاد حکومت در عصر غیبت می‌داند. بر این اساس می‌گوید: «لزوم حکومت به منظور بسط عدالت و تعلیم و تربیت و حفظ نظام جامعه و رفع ظلم و حراست مرزهای کشور و جلوگیری از تجاوز بیگانگان، از بدیهی‌ترین امور است، بی‌آنکه بین زمان حضور و غیبت امام و این کشور و آن کشور فرقی باشد» (همان، ص ۳۷۸). پس وجود حاکمی که برپا دارنده و نگهدارنده نظم و قانون اسلام باشد، ضرورت دارد. از این‌رو، بنا به ضرورت شرع و عقل، آنچه در دوره حیات رسول اکرم (ص) و زمان امیرمؤمنان، علی بن ابی‌طالب (ع) لازم بوده، یعنی حکومت و دستگاه اجرا و اداره، پس از ایشان نیز در زمان ما لازم است. امام خمینی در ادامه بحث خود، پس از اینکه می‌گوید

اختلاف طبقاتی و فقر و پریشانی، شایسته جامعه منتظر نیست^۱ بر این اساس، ویژگی‌های جامعه منتظر عبارت است از: ۱. بطلان تفکر غرب‌گرایی و غرب‌زدگی؛ ۲. تمسک تام و تمام به هویت اسلامی؛ ۳. کم‌رنگ نشدن شئون و شعایر اسلام و احکام آن در جامعه؛ ۴. امیدواری به یاری خدا و پیروزی اسلام؛ ۵. استقامت دینی در برابر هجوم دشمنان اسلام؛ ۶. رفع کاستی‌ها و کمبودها و رفع اختلاف طبقاتی و فقر و پریشانی؛ ۷. اصلاح خود و جامعه؛ ۸. جامعه منتظر، تمدنش اسلامی و برگرفته از قرآن مجید است؛ ۹. جامعه‌ای زنده، قوی، قدرتمند، شجاع، صادق و خودکفا؛ ۱۰. در برابر مؤمنان، متواضع در برابر کافران، سرسخت و نیرومند؛ ۱۱. جامعه‌ای باعفت و پارسا در همه زمینه‌ها؛ ۱۲. رشد و اشاعه اخلاق اسلامی. خلاصه، جامعه منتظر باید بهتر و کامل‌تر از آنچه هست، باشد؛ یعنی برنامه‌هایش صحیح‌تر و به‌طور کلی، همه چیزش در مسیر انتظار باشد. بنابراین، خط غرب‌گرایی و تضعیف استقلال اسلامی باید منفور باشد، تمسک تام و تمام به هویت اسلامی باید افتخار و گرایش به بیگانگان عار باشد. با حفظ این ویژگی‌هایی که برای جامعه منتظران برشمردیم، اکنون ویژگی‌های دکترین آن را نیز در محورهای زیر مشاهده می‌شود:

۱. «انتظار همراه با عمل»: چون همه انتظار داریم وجود مبارک بقیه‌الله اعظم را، لکن با انتظار تنها نمی‌شود (رحیم‌پور، ۱۳۸۱، دفتر ۴۲، ص ۳۶۷) بلکه باید همراه با انتظار، گام‌هایی هم در این جهت برداشت.

۲. «مبارزه با معصیت، گناه و ظلم»: این دکترین بر خلاف دکترین اسقاط تکلیف، می‌گوید: نگویند بگذار تا امام زمان بیاید. [مگر] شما نماز را

۱. پیام آیت‌الله لطف‌الله صافی گلپایگانی در ۱۳ شعبان ۱۴۲۲ هـ. ق کتاب گفتمان مهدویت، ۱۳۸۱ صص ۱۶ و ۱۷.

دکترین‌های عصر ظهور			دکترین‌های عصر انتظار		مفاهیم
دکترین قابلیت اجتماعی	دکترین قیام طبیعی	دکترین عدل مبتنی بر علم	دکترین قیام	دکترین اسقاط تکلیف یا تعطیلی حکومت	
هم ظلم و فساد و هم عدالت و مبارزه با ظلم	پر از ظلم و جور	---	---	پر از ظلم و جور و فساد	وضعیت جهان
پذیرای دولت کریمه، چون به دوره سوم مرحله تاریخی خود رسیده است	عدم پذیرش و پیروزی از راه جنگ و جهاد و خونریزی	پیروزی از روی علم امام	خواهان جامعه‌ای باعفت و پارسا در همه زمینه‌ها	جامعه‌ای پر از گناه و بی‌بند و باری	وضعیت جامعه
امنیت جهانی	امنیت جهانی	امنیت جهانی	تلاش برای ایجاد امنیت	ناامنی و هرج و مرج	نظم اجتماعی
یک حکومت	یک حکومت	یک حکومت	عینیت دین و سیاست و وجوب حکومت	جدایی دین از سیاست و تعطیلی حکومت	موقعیت حکومت
یک فرهنگ	یک فرهنگ	یک فرهنگ	تلاش برای فرهنگ اصیل اسلامی	روا داشتن محرمات	موقعیت فرهنگ
یک دین	یک دین	یک دین	حضور دین در حوزه عمومی	جدایی دین از حوزه عمومی	موقعیت دین
یک قانون	یک قانون	یک قانون	ایجاد دولت و قانون اسلامی برای اجرای احکام اسلامی	همکاری با دولت طاغوتی و بی‌قانونی به‌منظور ظهور دولت کریمه	قانون و دولت
اوج و شکوفایی ارزش‌های اسلامی	اوج و شکوفایی ارزش‌های اسلامی	اوج و شکوفایی ارزش‌های اسلامی	رشد اشاعه اخلاق اسلامی	رشد و اشاعه مسائل ضداخلاقی	ارزش‌ها

جدول ۱. جدول مقایسه دکترین‌ها؛ ماخذ: عیسی‌نیا، ۱۳۸۹.

هیچ‌کس نمی‌تواند بگوید که دیگر لازم نیست از حدود و ثغور و تمامیت ارضی و وطن اسلامی دفاع کنیم و وارد بحث مهمتری می‌شود و اعلام می‌دارد هر که اظهار کند تشکیل حکومت اسلامی ضرورت ندارد، منکر ضرورت اجرای احکام اسلام شده و جامعیت احکام و جاودانگی دین مبین اسلام را انکار کرده است (همان، ص ۳۸۴).

آرمانشهر ایرانی در دوران اسلامی

بی‌شک یکی از مهمترین موضوعات در حوزه آینده پژوهی ضرورت تدقیق در ساختار شهر و ظهور واژگان و ترمینولوژی خاصی به نام «آرمانشهر» بوده است. در ایران دوره اسلامی، آرمانشهر از سه دیدگاه قابل بررسی است:

۱. «عرصه دین»: انتظار و آرزوهایی که در پیرامون آن پدید آمده خود به اندیشه آرمانشهری الهام بخشیده است.

۲. «عرصه حکمت و فلسفه»: سه تن از بزرگترین حکیمان ایرانی (فارابی، ابن سینا و خواجه نصیرالدین

طوسی) مبتکر اندیشه مدینه فاضله‌اند.

۳. «عرصه ادب و عرفان»: الگو یا صورت مثالی آرمانشهری است که حوزه‌های دین و ادب را در برمی‌گیرد. در این عرصه مفاهیم آرمانی در طی طریق یک مکاشفه روحانی و تجربه‌ای استحسانی از سلوک معنوی انسان معنا می‌یابد که می‌توان به مولانا اشاره داشت.

در رابطه با آرمانشهر ایرانی در عرصه دین باید گفت که:

۱. «زاهره»: زاهره شهر است که چون دیگر شهرهای آرمانی در گوشه‌ای از کره خاکی ما نهاده است. دراز او، پهنای آن یک ماه راه است، در کنار دریاست و رودهایش پر آب و چشمه‌سارانش زلال و جوشان است. فرمانروای شهر، طاهر نام دارد و فرزند امام غایب (عج) است. وی در قصری بهشت آیین می‌نشیند، رخت درویشی می‌پوشد و رهبری سیاسی و دینی دارد (مقدس اردبیلی، ۱۳۶۱، ص ۷۷۰-۷۶۵).

۲. «جزیره خضراء»: این جزیره در باختر برّ قدیم، در دل آب‌های سپید قرار دارد و شریعت اسلام حاکم بر دین و دولت توأمان است. مردم چشم به راه امام دوازدهم اند و در روز آدینه لشکریان سوار بر اسب در میدان شهر گرد می‌آیند و برای تعجیل ظهور آن حضرت دعا می‌خوانند (نامی النجار، ۱۴۰۶، ص ۱۶۲-۱۰۶).

۳. «انظار»: انظار همه مسلمانان در این نکته اتفاق نظر دارند که سیر تاریخ اسلام پس از خلفای راشدین رو به انحطاط رفته است، اما در فرجام آن اختلاف دارند. سنّیان چنین سیری را دور شدن از وضع آرمانی می‌دانند و اما شیعیان آن را به سوی

چنین وصفی می‌بینند و باور دارند که تاریخ بشر به رغم فراز و نشیب فرجامی خجسته دارد. برداشت شیعه از جامه پس از ظهور، صلح و آرامش و رفاه و برابری است که الهام بخش جامعه آرمانی است و شهرهایی نام برده شده که اکنون وجود دارد و زیر فرمان فرزندان امام زمان (عج) است.

در عرصه حکمت، شهر آرمانی سه ویژگی دارد:

۱- شهر بر رهبری حکیمی فرزانه استوار است.

۲- نظام سیاسی و اجتماعی اغلب طبقاتی است و هر کس بر حسب شایستگی‌هایش در طبقه‌ای که سزاوار اوست، قرار می‌گیرد.

۳- حکومت ضرورتی ناگزیر و ضامن بقای جامعه مدنی است (اصیل، ۱۳۷۴، ص ۱۳۷).

(*) **آرمانشهر ایرانی و ابونصر فارابی (۳۲۸-۲۵۹ هـ.ق):** انسانهای اهل مدینه فاضله فارابی همه

در راه کمال هستند و هر یک از آنان دیرتر یا زودتر از دیگری به نقطه‌ای مادی یا معنوی دست می‌یابند

که این امر خود برانگیزنده حرکت‌های فردی بصری می‌شود. «نظام حاکم»: نظام حاکم بر این شهر

نظامی است که انسان را به جایی می‌برد که جز به خدا نمی‌اندیشد. معلم ثانی همه جا تأکید دارد

که عنان رهبری مدینه فاضله را به سمت مردمی می‌سپارد که رئیس اول نام دارد که شخصیت اول جامعه و نزدیکترین فرد به یزدان پاک است.

«اجتماع و اجتماع پذیری»: از نظر فارابی انسان موجودی مدنی بالطبع است و حیات بشر بدون

تعاون و اجتماع پایدار نمی‌ماند. هر فرد در راه نیل به کمال فطری به اموری احتیاج دارد که تنهایی

قادر به اقدام به آنها نیست و فقط در اجتماع و

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۹ تابستان ۹۴
No.39 Summer 2015

۱۵۵

۱. صفت فاضله گویای آرمان حکیم در جست و جوی جامعه کمال مطلوب بود. مدینه فاضله در اندیشه فارابی، از معموره زمین آغاز می‌شود و در کوچکترین حد خود، به شهر اطلاق می‌گردد. چنین نگرشی، افزون بر اینکه از مفهوم اسلامی در اسلام سرچشمه می‌گیرد، بسی فراتر از محدوده جغرافیایی ملت هاست. دریافت فارابی از جامعه کامل، جامعه‌ای بزرگ است که ملتهای بسیار را در بر گرفته و چنانچه رهبری آرمانی زمام را به دست گیرد مدینه فاضله در محدوده آن تحقق خواهد یافت. مدینه فاضله فارابی، جامعه ایست کاملاً روحانی که تصور جزئیات آن بسی دشوار است. با این که بحث وی گسترده و مفصل است، اما همه جا به کلی گویی بسنده می‌کند و به روابط ملموس سیاسی و اجتماعی نمی‌پردازد. جامعه مدنی (اجتماع مدنی) برای نظام طبقاتی مدینه فاضله، آگاهی اجمالی به دستگاه فلسفی فارابی ضرورت دارد. زیرا ساختار شهر آرمانی وی پژواک ذهن و برداشت عقلانی وی از نظام کائنات است. در دستگاه فلسفی فارابی، همه کائنات از فیضان وجود نخست یا ذات پروردگار پدید آمده است و موجودهای عالم در نظامی متنازل قرار گرفته‌اند. بدین ترتیب که پس از موجود نخست که مبداء المبادی است، سلسله مراتب موجودهای عالم به ترتیب الانقاص فالانقاص از کمال به نقصان سیر می‌کند تا به مرحله‌ای می‌رسند که گامی فروتر از آن نیستی محض است. از این رو در شهر آرمانی فارابی، خیر افضل (سعادت آدمی و نیکی برین) تنها در اجتماع مدنی به دست می‌آید نه در اجتماعی که از آن کمتر یا ناقص باشد و انسانها به حکم سرشت و برای رسیدن به کمال، نیازمند همکاری و تشکیل اجتماعند، نیازهای آدمی چنان متنوع و فراوان است که هیچ کس به تنهایی نمی‌تواند همه آنها را برآورده سازد.

در تعاون به کمال می‌رسد. پس نه تنها تأسیس اجتماع ناشی از طبع بشر است بلکه جماعت هم غایتی جز کمال آدمی ندارد (داوری اردکانی، ۱۳۵۴، ص ۱۰۵-۱۰۴). «پیوستگی و همبستگی اجتماعی»: از دیدگاه فارابی انسان از جمله جانورانی است که بطور مطلق نه به حوائج اولیه و ضروری زندگی خود می‌رسد و نه گروهی و اجتماع گروه‌های بسیار در جایگاه و مکان واحد و پیوستگی به یکدیگر (آزاد ارمکی، ۱۳۷۴، ص ۲۳۳). «نشانه‌های زندگی جمعی»: مدینه فاضله فارابی جامعه‌ای است که در آن عدالت و سعادت واقعی حکمرواست و رئیس و مرشد آن مدینه از حکماست و قدرت رهبری و هدایت دارد (حسینی، ۱۳۵۷، ص ۸۴). از نظر فارابی نشانه‌های زندگی جمعی عبارت است از: ۱- افراد و گروه‌های بسیار؛ ۲- مکان واحد؛ ۳- پیوستگی و ارتباط با یکدیگر؛ ۴- هدفداری. فارابی زیر بنای کار را فضیلت و کمال می‌داند و می‌گوید خیر افضل و کمال نهایی انسان در مدینه و اجتماعات حاصل می‌شود (آزاد ارمکی، ۱۳۷۴، ص ۲۳۴). «سعادت بشری»: فارابی سعادت را بر دو قسم می‌داند: ۱. سعادت حقیقی که مطلوب لذاته است و همه امور و خیرات نسبت به آن در حکم وسیله است و این سعادت معنوی است و در آخرت محقق می‌شود؛ ۲. سعادت دیگر آن است که جمهور آن را سعادت می‌دانند مانند ثروت، لذات و سایر اموری که مردمان آن را خیرات می‌انگارند (داوری، ۱۳۵۴، ص ۱۰۲). «اندام‌واره گرایی شهر»: فارابی دیدگاهی اندامگرا دارد. وی شهر را به جسم آدمی تشبیه می‌کند که باید کامل، خوش ترکیب و با توزیع مناسب و درست کار کردها باشد. سلسله مراتب یک ضرورت است.

(* **آرمانشهر ایرانی و خواجه نصیر الدین طوسی** (۶۷۲-۵۹۷ ه.ق): وی طرح مدینه فاضله فارابی را اقتباس کرده و آن را در کتاب اخلاق

ناصری آورده است. از دید او نابرابری آدمیان امری است طبیعی؛ و تقسیم کار اجتماعی که موجب پیدایی جامعه مدنی و پیوستگی آن است، خود از این نابرابری سرچشمه می‌گیرد. وی برای تأیید گفته‌اش حدیثی به ظاهر مجهول نیز می‌آورد که می‌گوید: لو تساوی الناس لملک و جمیعاً (اگر مردم برابر باشند، هر آینه همه هلاک می‌شوند). رهبر آرمانی وی چهار خصلت دارد: ۱- حکمت. ۲- خردمندی. ۳- استعداد و قدرت اقناع. ۴- دلیری و توان جهاد (خواجه نصیرالدین طوسی، ۱۳۶۱، ص ۳۰۰-۲۷۹).

(* **آرمانشهر ایرانی و ابن سینا** (۴۲۸-۳۷۰ ه.ق): در اندیشه سیاسی وی نیز نوعی آرمانشهر به نام مدینه عادلانه مطرح شده است که رئیس آن پیامبر (ص) است. وی به یاری وحی جامعه را به سوی سعادت راهبری می‌کند. با توجه به این که ریاست پیامبر رخدادی تکرارنشده است، پس از وی خلیفه یا امام جانشین وی می‌شود که باید جامعه را راهبری کند. این رهبری ۴ شرط دارد: ۱- دلیری. ۲- اعتدال. ۳- حسن تدبیر. ۴- خردمندی.

راهبردها و راهکارهای تحقق شهر امن^۱

۱. «زیباندیشی و زیباسازی»: اولین عامل ظهور و بروز شهر امن، زیبایی است. خداوند جمیل به انسانهای نیکوکار وعده ورود به شهر امن داده و از میان همه نعمت‌ها بیشترین تاکید را بر زیبایی‌های بهشت قرار داده و اساس خلقت جهان را زیبایی بیان فرموده است.^۲ «إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا؛ ما آنچه را روی زمین است، زینت آن قرار دادیم تا بدین وسیله مردم را امتحان کنیم که چه کسی بهتر عمل می‌کند» (کهف: ۷).

۲. «آموزش هدفمند»: آموزش هدفمند شهروندان با شاخص‌های یک انسان کامل برای امروزین شدن،

۱. مطالب این بخش از مقاله «بررسی و تحلیل عوامل موثر در تجلی شهر امن از دیدگاه اسلام» استخراج شده است که به قلم دکتر حمید رضا صارمی در شماره ۲۷ نشریه مدیریت شهری به چاپ رسیده است.
۲. کهف: ۳۱- حج: ۲۳- فاطر: ۳۳- انسان: ۲۱

نظامات مهندسی رفتارهای اجتماعی را در یک فرایند الهی سامان و شکل داد، به دنبال آن فضاهای کالبدی با همین ویژگی‌ها شکل خواهند گرفت. در میان این هنجارها، عدالت از موضوعات مهم و بسیار وسیع در اداره شهرها محسوب شده و ظلم و ستم در مقابل آن قرار دارد. آیات متعدد از قرآن مجید با صراحت کامل، نابودی اجتماعات گذشته را معلول ظلم و ستم معرفی می‌کند.^۱ عدالت مفهومی عام، فراگیر و مقبول در همه جوامع است. بر پایه اعتقاد شیعیان و همچنین آیات و روایات، ظهور منجی عالم برای اجرای عدالت بوده و آبادانی و امنیت شهرها در نتیجه اجرای عدالت توسط آن عزیز خدا خواهد بود. خداوند بصیر بدون هیچ قید و شرطی با صراحت و قاطعیت امر به عدالت فرموده‌اند: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ...؛ خداوند به عدل و... فرمان دهد» (نحل: ۹۰).

۵. «مسکن مطلوب»: نیاز به مسکن در جوامع مختلف یک اصل اساسی و بااهمیت است. این نیاز علاوه بر ضرورت اساسی آن به عنوان سرپناه از ویژگی‌هایی مانند فرم مطلوب مسکن، استحکام مسکن، امنیت مسکن، میزان دسترسی و نیز فاصله مناسب ساکنان به تسهیلات و خدمات کالبدی محله، دسترسی به طبیعت و فضاهای سبز، تأمین تجهیزات و زیرساخت‌ها مورد نیاز مسکن، همجواری مسکن با کاربری‌های سازگار، نمای ساختمان، معماری ساخت، تعداد طبقات و موارد فراوان دیگر برخوردار بوده و دارای شاخص‌های کمی و کیفی برای اندازه‌گیری است. نیاز ضروری شهرها به سکونت و همچنین کیفیت آن باعث شده تا مسکن مطلوب از منظر قرآن به یکی از عوامل ظهور و بروز شهر امن تعبیر شود.

۶. «نظم و تدبیر در طراحی»: «نظم و آراستگی و پیچیدگی و کمال چه در اشکال و چه در ترکیب آنها یک مبنای دینی است. معماری اسلامی برای خلق نظم و بسامانی هر چه بیشتر در بنا به هندسه‌ای دقیق و خالص روی می‌آورد و همواره از اشکال کامل

ضرورت و نیاز شهرها برای پیاده سازی شهر امن است. دستور رسول گرامی اسلام برای آموزش از روز تولد تا پایان زندگی پایه و اساس آموزش شهروندی است. ضرورت آموزش نیاز به توضیح ندارد، اما اینکه آموزش با چه هدفی انجام شود، بسیار مهم است. برای پیدایش حکومت قانون و جهت پیشگیری از ناامنی، جامعه نیازمند آموزش مناسب و هدفمند با تکیه بر مقتضیات زمانی است. این آموزش‌ها باید در راستای ارائه خدمات اجتماعی و شیوه رفتارهای زندگی امروزیین تدوین شوند. درک متقابل افراد از رابطه بین فضا و جامعه جهت رعایت ضوابط و هنجارها در قالب سازگار نمودن افراد، مرحله اول آموزش است. در مرحله دوم آموزش، تدوین چارچوبهای اجبار اجتماعی برای آموزش متمدین از انضباط اجتماعی و در صورت عدم پذیرش، اجبار قانونی در پذیرش و در نهایت تأدیب آنها جهت همسانی و هماهنگی در هنجارهای اجتماعی است.

۳. «پویایی»: دستیابی به شهرهای پویا و تحول گرا در چشم انداز آینده، از دیگر عوامل پیاده سازی شهر امن است. اصولاً مبنای جهان و انسان و همه هستی رو به کمال و تکامل است. این تکامل باید در همه ابعاد شکل بگیرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در حدیث معتبر و معروفی فرمودند: «قد نجی من کان غده خیرا من أمسه و من ساوی یوماه فهو مغبون و من کان أمسه خیرا من یومه فهو ملعون؛ هر کس که فردایش از دیروزش بهتر باشد، نجات پیدا کرد، و هر کس دو روزش مساوی باشد، او مغبون است و هر کس دیروزش بهتر از امروزش باشد، ملعون است» (جعفری، ۱۳۷۶: ج ۲۵، ص ۲۴۰).

۴. «رعایت عدالت در اداره شهر»: در تبیین شهر امن از منظر اسلام، هنجارهای اجتماعی حاکم بر زندگی مردم به کالبد و امنیت شهر شکل داده و شهر امن را به منصف ظهور می‌رساند. هنجارهای اجتماعی مجموعه دستورالعمل‌ها و نظامات برگرفته از دین برای زندگی انسانهاست. اگر بتوان این

هندسی و منظم سود می‌جوید. بدین طریق معمار از ریاضیات و هندسه متعالی برآمده از آن، که به زعم قدامت‌ها تنها علمی است که می‌تواند به وجهی، تصویری از علم خداوندی و انتظام مطلق حاکم بر آن را به بشر بنمایاند، برای ساختن فضای ایده‌آل و مطلق مورد نظرش کمک می‌گیرد و آنچنان معماری را به وجود می‌آورد که اشکال کامل و پرصلابت هندسی بر آن حکومت می‌رانند (مظلومی، ۱۳۶۶، ص ۱۶۷).

۷. «مهربانی، محبت و خوشرفتاری»: بر اساس فطرت انسانی و مدنی‌الطبع بودن انسان و نیاز افراد جامعه به یکدیگر در تامین معاش و برقراری نظم و امنیت اجتماعی، پیاده‌سازی مکانهایی برای ارتباط جسمی و عاطفی برای پیوند دادن احسان و معاشرت یکی از عوامل تجلی شهر امن است. برای بروز محبت در جامعه، ترسیم نقشه و تحلیل ساخت اجتماعی جامعه بر اساس شرایط زندگی امروزین ضروری است. از منظر اسلام، احسان، عطوفت و محبت به همه مردم، به ویژه افرادی که پیوند خونی دارند، از عوامل آبادانی و امنیت شهر است. حضرت محمد صلی‌الله و علیه، محبت کردن (حتی توسط کافران) را عامل آبادانی شهر بیان فرموده‌اند.

۸. «استحکام بخشی به زیرساختها و بناهای شهری»: استحکام و مقاوم‌سازی در زیرساختها و بناهای شهری یکی از اصول شهر امن است. در آیات قرآن وجود مواهب جهان مادی همه از نعمت‌های خداوند محسوب شده و وجود آنها در نظام خلقت لازم است. بهره‌برداری از نعمت‌های الهی وسیله‌ای برای رسیدن به سعادت و تکامل انسان یاد شده است. استوارسازی و اساسی کردن کار و پرهیز از ظاهرسازی و نیرنگ‌بازی، از اصول ساخت در شهر امن است. در معماری این اصل اهمیت فراوانی دارد. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «من بنی فاقصد فی بنائه لم یؤجر؛ هر که با کاستن مواد، ساختمانی بسازد، پاداش داده نمی‌شود» (مجلسی، ج ۷۶، ص ۱۵۰).

۹. «بهبود کیفیت محیط شهر»: بالابردن کیفیت محیط شهری در جهت آسایش و خوشایندی شهروندان یکی دیگر از اصول بروز شهر امن است. بهبود محیط شهری موضوعی تصنعی نیست، بلکه از نیازهای انسان برای بهبود کیفیت سکونت و امنیت بیشتر است. خداوند غفور در آیات مختلف به برخی عناصر طبیعی به عنوان مصادیق بهبود کیفیت فضای محیط شهری اشاره فرموده است: «وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ؛ چه کسی آسمانها و زمین را آفریده و از آسمان برای شما باران فرستاده که به وسیله آن باغ‌هایتان را بارور و سبز و خرم می‌کنیم» (نمل: ۶۰).

۱۰. «بهره‌گیری از خردمندان در اداره امور شهر»: یکی از تأکیده‌های دین مبین اسلام و آگاهی امور جامعه به دست افراد دانشمند و خردمند است. امیرالمومنین علی علیه‌السلام در نامه مشهور خود به مالک اشتر می‌فرماید: «در استوار ساختن صلاح کار شهرهای خود و به پاداشتن آنچه مردم پیش از تو به پا داشته‌اند، بسیار با دانشمندان مذاکره و با خردمندان گفتگو کن» (نهج البلاغه (انصاری)، ۱۳۷۳، ص ۲۳۴).

۱۱. «فقرزدایی»: اصولاً یکی از ناامنی‌های زندگی انسان به دلیل کمبودهای مادی و عدم اطمینان مالی به آینده است. برنامه‌ریزی صحیح برای رفع نیازهای اساسی همه مردم، به ویژه گروه‌های آسیب پذیر از روش‌های مناسب توانمندسازی این اقشار برای امنیت بخشی به شهر است. در اسلام پرداخت وجوهاتی مانند خمس و زکات از واجبات دینی شمرده شده و به پرداخت آنها تأکید شده است. یکی از اهداف این احکام در دین مبین اسلام توجه به فقرا و مستمندان و جلوگیری از فقر در جامعه است. در روایات فراوانی به صراحت عدم پرداخت زکات را موجب ناامنی و پرداخت آن را موجب برکت و امنیت به شمار آورده و عامل پیشگیری از بلایا و ناامنی بیان کرده‌اند. پیامبر خدا صلی‌الله علیه و آله می‌فرمایند: «امت من تا زمانی که به یکدیگر

خیانت نورزند و امانت را برگردانند و زکات بدهند، پیوسته در خیر به سر می‌برند و هر گاه چنین نکردند، به قحطی و خشک‌سالی گرفتار می‌شوند» (کمره‌ای، ۱۳۶۴: ج ۱، ص ۲۵۶).

۱۲. «تقویت فعالیت‌های اجتماعی»: یکی از اصول شهر امن، سامان بخشی به فعالیت‌های اجتماعی در قالب خانواده، همسایه، محله و شهر است. تدوین چارچوب تعاملات اجتماعی در جهت محبت و مساعدت بدون دخالت و تجسس در امور یکدیگر به عنوان یک مرز روشن برای تعاملات اجتماعی، مقدمه تقویت فعالیت‌های اجتماعی است. از منظر دین مبین اسلام مرز این تعاملات به روشنی بیان شده است. روایات دینی حرمت همسایه را مانند خون او در نظر گرفته‌اند. «حرمة الجار علی الجار کحرمة دمه؛ حرمت همسایه بر همسایه چون حرمت خون او است» (نهج الفصاحه (مجیدی خوانساری): بی تا، ص ۴۴۰).

۱۳. «تعمیق بخشی از تباط با خدا در جامعه»: عبادت و بندگی خدا یکی از مهمترین اصول بروز شهر امن است. این موضوع در جایگاهی از اهمیت قرار دارد که خداوند منان هدف از خلقت را عبادت بیان فرموده است. «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ؛ ما جن و انسان را خلق نکردیم جز برای اینکه عبادتم کنند» (ذاریات: ۵۶).

نتیجه گیری و جمع‌بندی

در ادیان الهی مهدویت و اعتقاد به ظهور منجی آخرالزمان، یک اعتقاد عام و جهان شمول است. تعبیر بسیار بلندی از همه انبیاء از اول تا خاتم راجع به حضرت حجت(عج) رسیده و تقریباً جزء اجتماعی‌ترین موضوعات بین همه ادیان الهی و ابراهیمی بشارت موعود و وعده منجی است و همه گفته‌اند کار نیمه تمام و ناتمام انبیاء و ادیان به دست این مرد بزرگ کامل خواهد شد. باری در تمام ادیان آسمانی فرهنگ غنی مهدویت به دلیل ابتنا بر هویت فطری و الهی آدمیان با هدف تحقق وحدت انسان‌ها پذیرفته شده است و رنگ

و بوی جهانی پیدا کرده است و به جهانی شدن فرهنگ مهدویت منجر شده است. اما پرسشی که در متن این پژوهش تمام رخ هویدا گشت این بود که چه نسبتی بین پدیده جهانی شدن با حکومت جهانی حضرت مهدی(عج) برقرار است. در پاسخ به این پرسش می‌توان ذات جهانی شدن را در متن آموزه‌های مهدویت جست تعبیر و تفاسیر مختلفی که در روایات و اخبار ملاحم در بیان ویژگی‌های عصر ظهور حضرت مهدی آمده است که صدای آن حضرت را همه جهانیان در هنگام سخن می‌شنوند و یا سیمای مبارک وی را می‌بینند مؤید جهان‌گستری آموزه‌های مهدویت است. البته در تبیین ارتباط دو مفهوم مهدویت و آینده شهرها در قالب جهانی شدن باید به تعاریفی که از جهانی شدن می‌شود توجه کرد، چرا که:

۱. اولاً لزوماً مفهوم جهانی شدن در تمامی قرائت‌های خود با مهدویت اسلامی سازگاری ندارد به عنوان نمونه جهانی شدن در تعریف غلبه ارزش‌های غربی و هژمون شدن فرهنگ امریکایی نسبتی با آموزه‌های مهدویت ندارد یا تفاسیر نئومارکسیستی از پدیده جهانی شدن در تضاد با مفهوم مهدویت قرار می‌گیرد. جهانی شدن فرآیندی است که همراه با رشد تکنولوژی ارتباطات موجب فشردگی زمان و مکان هم‌جواری مجازی، کش آمدن مناسبات اجتماعی در طول مکان و کوچک شدن جهان گردیده است. با این حال می‌توان نشانه‌هایی از ارتباط و سازگاری بین جهانی شدن با فرهنگ مهدویت ایجاد کرد و با نگرش ابزاری - فرآیندی به جهانی شدن می‌توان ره‌یافت و برداشتی از جهانی شدن ارائه کرد که زمینه فهم ما را از چگونگی تحقق مهدویت در معنای عام خود که مقتضای ادیان آسمانی است فراهم نماید. ۲. نکته دوم این‌که دکتترین مهدویت در ذیل مفهوم جهانی شدن با هدف تحقق وحدت انسان‌ها شکل می‌گیرد چرا که در آموزه‌های مهدویت هویت فطری و الهی انسان‌ها، مشترک و فرازمانی و فرامکانی تعریف می‌شود. از طرفی پدیده جهانی شدن با تحقق ابزاری



فضای ارتباطی، تشدید آگاهی و جداسازی هویت از مکان و اهمیت‌یابی فضا، زمینه مناسبی را برای تحقق وحدت جامعه بشری در اضلاع جهانی را فراهم می‌سازد.

۳. نکته سوم این‌که دکترین مهدویت را نباید به عنوان یک تئوری صرفاً مذهبی یا سیاسی و یا اسطوره‌ای مطرح نمود بلکه باید آن‌را در ذیل تئوری‌های جهانی با تحولات جهانی و ارتباطات جهانی مطرح کرد و مهم‌تر از همه می‌توان از وجه فناوری و تکنولوژیک جهانی‌شدن در راستای جهانی کردن مفهوم مهدویت استفاده کرد تا گفتمان مهدویت در عصر جهانی‌شدن به گفتمان غالب - پارادایم مسلط - تبدیل شود.

لذا در راستای ترسیم چهره آینده شهرها برای زمینه سازی ظهور منجی عالم بشریت باید شهرها دارای ویژگی‌هایی خاص باشند که بر اساس نتایج این تحقیق عبارتند از:

۱- «شهر عدالت»: برقراری عدالت عدل و قسط از مهمترین ویژگی‌های آرمانشهر اسلامی است. تعادل و اعتدال نیز از مفاهیم عدالت در آرمانشهر اسلامی است (خیر الامور اوسطها)؛ در آرمانشهر اسلامی که تحقق مکان زیستی مناسب در بازآفرینی اعمالی خدائی است؛ در پیروی از کلام پروردگار به برقراری عینی عدالت و نیز قرار دادن مناسب هر چیز در جای خود(معنای حقیقی عدل) و خلق مناسب فضاها با اندازه‌های مناسب اقدام می‌نماید.

۲- «شهر ذکر و تذکر»: از آنجا که از اهداف باری تعالی در آفرینش انسان، ذکر و تسبیح خالق متعال است؛ (ما خلقت الجن و الانس الا لایعبدون)؛ از اهداف آرمانشهر اسلامی، دادن تذکر مداوم به آدمی و یادآوری ذکر در همه ابعاد فضائی شهر است. هم تسلط کالبدی عناصر معنوی بر سیمای شهری و هم همجواری عناصر معنائی و محتوائی در تمامی اجزای شهر، می‌تواند به پیدایش و احیای شهر ذکر بیانجامد. نمونه‌های خردتر فعلی، قرارگیری تکایا در معابر و راسته‌های شهری و نیز تسلط کالبدی

مسجد به عنوان عنصری اسلامی در شهرهاست. تلفیق تجسم عناصر طبیعی نظیر آب و فضای سبز و پوشش گیاهی در فضاهای زیستی و عناصر نمادین، امکان «ذکر» را مهیا می‌نماید.

۳- «شهر طهارت و پاکی»: تاکید بر طهارت معنائی و محتوائی در ظاهر و باطن جزو ویژگی‌های آرمانشهر اسلامی است. همانطور که پیکره‌های شهرهای مسلمین، با مجاورت مسجد(محل معنا)، مدرسه(محل آموزش) و بازار(محل ماده و کالا)، در هم آمیخته‌اند؛ در آرمانشهر مطلوب اسلامی، تکیه بر «طیب» شهر پاکی و بهزیستی معنائی و محتوائی، ظاهری و باطنی تاکید شده است. این پاکی می‌تواند هم شهر سالم زیستی و سکونت‌ی مادّی باشد. و هم پاکی روحانی و معنوی آرمانشهر را به همراه داشته باشد. و نشان از «مبّرّی بودن بیماری، ناهنجاری و تهدید باشد».

۴- «شهر اصلاح»: تذکر خداوند بر عمل صالحان در کنار ایمان و اصلاح زمین، از موضوعاتی است که در کتاب خدا تکرار گشته است. آرمانشهر اسلامی که در پی تحقق مدینه فاضله خداگونه زمینی است؛ در اصلاح زمین و پاسداشت میراث مشترک تمدن‌ها می‌کوشد. و به ترمیم ارتباط گسسته انسان و طبیعت برمی‌آید. در آرمانشهر اسلامی، اصلاح و عدم فساد از صفات و ویژگی‌های خاص بستر شهری است.

۵- «شهر شکر»: آرمانشهر اسلامی شهر شکر و بهره‌گیری مناسب از محیط زیست، زیست بوم، استعدادها، پتانسیل‌ها و قابلیت‌های مادّی و معنوی است. پرهیز از کفران نعمت، اسراف و تبذیر از جلوه‌های آرمانشهر اسلامی است.

۶- «شهر وحدت»: وحدت فرد با جامعه، وحدت جامعه با محیط، وحدت اجزا در کل، وحدت در نگرش، وحدت در کالبد و سیمای شهری، وحدت در پراکندگی یکسان و متناسب اجزای شهری(در عین توجه به مفهوم عدالت)، وحدت مردم شهر با مسئولان و بالعکس، وحدت تفکر در رسیدن به

خشنودی خالق یکتا، وحدت نظر و عمل؛ همگی نشانه‌هایی دال بر وحدت در آرمانشهر اسلامی است. آرمانشهر اسلامی وحدت خالق را با وحدت اجزای خود به نمایش می‌نهد. آرمانشهر اسلامی، انعکاسی از یگانگی و توحید خالق جهان را در خود نمود می‌دهد

۷- **شهر حقی**: «حقی به معنای زندگی و حیات، ضد مرگ و نابودی، دارای روح، رشد و شکوفائی و باروری است». در آرمانشهر اسلامی، همه چیز زنده است و در پی شکوفائی و بالندگی در رسیدن به هدفی واحد (قرب الهی) این زنده بودن هم حکایت از سرزندگی معنائی و روحی و روانی ساکنان آن است و هم نشان از کاربرد گزاره تکنولوژیکی در تمامی اجزای شهری همگون با طبیعت و محیط زیست شهری دارد. آرمانشهر اسلامی، شهر زندگی است.

۸- **شهر امن**: «آرمانشهر اسلامی، شهر امنیت و صلح و اطمینان خاطر است. «ایمان و مومن نیز از ریشه امن اند» وجود ایمان و افراد مومن در شهر آرمانی اسلامی، حکایت از امن بودن شهر دارد و بالعکس. آرمانشهر اسلامی امنیت را در نظر و عمل برای شهروندان فراهم می‌آورد. امنیت رشد و تعالی در آرمانشهر اسلامی موجود است. آرمانشهر اسلامی شهر امنیت و صلح است. اطمینان خاطر جسم و روح شهروندان در عینیت و ذهنیت های شهری جاری است.

۹- **شهر شأن واقعی انسان در مقام خلیفه الهی**: برخی آیات قرآن کریم به نحوی به مقام انسان در جهان هستی اشاره دارند. انسان به مناسبت مقام خلیفه الهی خود، مکان زیستی ای متناسب با مقام خود را می‌طلبد؛ آرمانشهر اسلامی در پاسخ به این نیاز شهری متناسب با شأن حقیقی آدمی است. در آرمانشهر اسلامی، این آدمی است که بر محیط مصنوع تسلط دارد و نه محیط مصنوع بر آدمی. در آرمانشهر اسلامی تاکید بر تمامی ابعاد وجودی آدمی است و نه انحصاراً بر بعد مادی وی. فضاهای آرمانشهر اسلامی در تناسب با شأن واقعی انسان،

با پرداختن به ابعاد انسانی، محیط زیست، و القای احساس قرب است نه غربت. آرمانشهر اسلامی در تلاش بر تداعی مفاهیم و معانی ای است که بر ارتقاء معنوی و مادی آدمی بیافزاید. آنچه ذکر گردید صرفاً برخی صفات و ویژگیهای آرمانشهر اسلامی است و نه تمامی ابعاد وجودی متحققه و ویژگیهای آرمانشهر اسلامی. در اندیشه رویکرد به آرمانشهر، اسلام به طور عام و تشیع به طور خاص دارای جهتگیری ای است که نشان از رویکرد آینده نگرانه و امکان تحقق تاریخی پیدایش آرمانشهر اسلامی در ظهور و حضور انسان کامل، امام دوازدهم شیعیان مهدی موعود بقیه الله (عج) را داراست. این اندیشه تحقق ظهور و حصول به شهر آرمانی آرمانشهر، دارای صفات و ویژگیهای منحصر به خود می باشد که پس از ظهور آقا امام زمان (عج) صورت عینی به خود خواهد پذیرفت.

منابع و کتاب شناس

- (۱۳۸۱) گفتمان مهدویت (مجموعه سخنرانی‌ها)، قم، بوستان کتاب.
- (۱۳۸۵) بیداری اسلامی- ماهنامه تحلیلی، تئوریک مرکز مطالعات و پژوهش‌های بسیج دانشجویی- شماره دوم سال ۱۳۸۵، ص ۱۶.
- (۱۳۸۸) مبانی آینده پژوهی و جایگاه آن در ایران و چند کشور جهان، گروه مطالعات بنیادین حکومتی، اردیبهشت ۱۳۸۸.
- اسلاتر، ریچارد (۱۳۸۶) دانش واژه آینده پژوهی، ترجمه کرامت زاده، عبدالحمید؛ محمدرضا فرزاد و امیر ناظمی، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی
- اصیل، حجت الله (۱۳۸۱) آرمان شهر در اندیشه ایرانی، ویرایش دوم، نشر نی، تهران.
- امام خمینی (۱۳۶۰) ولایت فقیه امام، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ایزدهی، سید سجاد (۱۳۸۴) اندیشه سیاسی ملا احمد نراقی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- آرتور، کریستین (۱۳۶۷) ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید قاسمی، چاپ پنجم، انتشارات

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۹ تابستان ۹۴
No.39 Summer 2015

۱۶۱

- امیرکبیر، تهران. آزد ارمکی، تقی (۱۳۷۴) اندیشه اجتماعی متفکران مسلمان (از فارابی تا ابن خلدون)، انتشارات سروش، تهران.
- برایسون ریچارد (۱۳۹۱) برنامه ریزی استراتژیک، ترجمه دکتر مهدی خادمی، انتشارات آریانا قلم، چاپ دوم، تهران.
- بنیاد توسعه فردا (۱۳۸۴) روش های آینده نگاری تکنولوژی، گروه آینده اندیشی بنیاد توسعه فردا، تهران.
- بهار، مهرداد (۱۳۵۷) گنگ دژ و سیاوشگرد، شاهنامه شناسی، بنیاد شاهنامه فردوسی، تهران.
- پدرام، عبدالرحیم (۱۳۸۶) آینده پژوهی حوزه ای نو برای کندوکاو، سایت کشف آینده
- پدرام، عبدالرحیم (۱۳۸۶) آینده نگاری سنت حاکم بر آینده پژوهی، سایت کشف آینده
www.futuresdiscovery.com
- خزائی، سعید (۱۳۸۶) آینده پژوهی، مفاهیم و ضرورت ها، سایت کشف آینده
- پدرام، عبدالرحیم (۱۳۸۸) آینده پژوهی مفاهیم روش ها، مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- پوچی، فرانکو (۱۳۷۷) تکوین دولت مدرن، ترجمه بهزاد باشی، نشر آگه، تهران.
- توحیدی، محمدعلی (۱۴۱۷) مصباح الفقاهه، جلد پنجم، قم، انتشارات انصاریان، چاپ چهارم، ۱۴۱۷ هـ.ق.
- جاسبی، عبدا... (۱۳۸۴) کلیاتی پیرامون جهانی شدن، تهران، انتشارات دفتر فرهنگ مقاومت.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۳) جریان ها و سازمان های مذهبی سیاسی ایران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- جعفری، محمد تقی (۱۳۶۹) «حکمت اصل سیاسی اسلام: ترجمه و تفسیر فرمان مبارک امیرالمؤمنین علی (ع) به مالک اشتر»، بنیاد نهج البلاغه، چاپ اول، تهران.
- حسینی، سید هادی و محمد میره (۱۳۵۷) شهر و شهروندی در اندیشه فارابی، فصلنامه مسکن و انقلاب شماره ۱۱۴، تابستان ۱۳۵۷.
- خزایی، سعید و امیر محمودزاده (۱۳۹۲) آینده پژوهی، اصفهان، انتشارات علم آفرین.
- خزائی، سعید و همایون جاذبی زاده (۱۳۸۷) هنر آینده نگاری، کشف آینده، شماره سوم
www.futuresdiscovery.com
- خزائی، سعید، و عبدالرحیم پدرام (۱۳۸۷) راهنمای گام به گام آینده پژوهی راهبردی، انتشارات کشف آینده
- خواجه نصیرالدین طوسی (۱۳۶۱) اخلاق ناصری، تصحیح مجتبی مینوی، انتشارات خوارزمی، تهران.
- داوری اردکانی، رضا (۱۳۵۴) اجتماع و اجتماع پذیری فلسفه مدنی فارابی، انتشارات شورای عالی فرهنگ و هنر، تهران.
- داوری اردکانی، رضا (۱۳۵۴) فلسفه مدنی فارابی، انتشارات شورای عالی فرهنگ و هنر، تهران.
- رحیم پور، فروغ السادات (۱۳۸۱) تبیان (آثار موضوعی)، دفتر چهل و دوم (امامت و انسان کامل از دیدگاه امام خمینی)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- رفی، هاشم (۱۳۴۵) تاریخ ادیان، تهران، انتشارات کاره، ج ۴ و ۵.
- ریچارد اسلاتر و دیگران (۱۳۹۰) نواندیشی برای هزاره نوین، ترجمه: وحید وحیدی مطلق، سیف الدینی، فرانک (۱۳۸۲) فرهنگ واژگان برنامه ریزی شهری و منطقه ای، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه شیراز.
- سیف الدینی، فرانک (۱۳۸۱) مبانی برنامه ریزی شهری، نشر آبیژ، چاپ اول، تهران.
- شرافت، امیر حسین (۱۳۹۳) نگاهی به سیر مهدی پژوهی: از نقل روایات تا گفتمان مهدویت، به نقل از: خبرگزاری کتاب ایران، ایبنا.
- عارفی، محمداکرم (۱۳۸۶) اندیشه سیاسی خویی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

عقیل ملکی فر (۱۳۸۵) الفبای آینده پژوهی، تهران.
علامه طباطبائی (۱۳۶۳) «تفسیر المیزان»، ترجمه سید باقر موسوی، تهران.
علی بابایی، غلامرضا و بهمن، آقایی (۱۳۶۵) فرهنگ علوم سیاسی، تهران، شرکت نشر ویس.
علیزاده، عزیز (۱۳۷۸) سناریوها: بهترین ابزار برای رویارویی با آینده، اندیشکده وحید.
علیزاده، عزیز، وحید وحیدی مطلق و امیر ناظمی (۱۳۸۷) سناریونگاری یا برنامه ریزی بر پایه سناریوها، مؤسسه مطالعات انرژی، تهران.
شوارتز، پیتز (۱۳۸۲) هنر دورنگری، ترجمه عزیز علیزاده، انتشارات مرکز آینده پژوهی علوم فناوری دفاعی، تهران.
فارابی، ابونصر محمد (۱۳۷۶) السیاسه المدینه، ترجمه حسن ملک شاهی- سروش، تهران.
فلامکی، محمد منصور (۱۳۶۷) فارابی و سیر شهروندی در ایران، نشر نقره، تهران.
کدیور، محسن (۱۳۷۶) نظریه های دولت در فقه شیعه، تهران، نشر نی.
کشف آینده (۱۳۸۷) خبرنگار الکترونیکی، کانون آینده پژوهان ایرانی، شماره های اول، دوم، سوم گروه مطالعات آینده نگر (۱۳۹۱) ضرورتها و مبانی معرفت شناختی آینده پژوهی، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
لامپونیانی، ویتوریو مانیانو (۱۳۸۲) دانشنامه معماری قرن بیستم، ترجمه ضیاء الدین جاوید، نشر امتداد.
مبینی دهکردی، علی (۱۳۸۷) مگادایم ها الزام راهبردی، آینده سازمان ها، مؤسسه مطالعات بین المللی انرژی، تهران.
مبینی، غلامحسن (۱۳۹۱) متن پیشگفتار کتابچه همایش بین المللی گفتمان مهدویت، تهران.
مطهری، مرتضی (۱۳۸۱) مجموعه آثار، جلد هجدهم، قم، صدرا.
معرفت، هادی (۱۳۷۸) جامعه مدنی، قم، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.
معصومی اشکوری، حسن (۱۳۷۱) فرآیند برنامه

ریزی شهری، یک الگوی سه سویه، مجله معماری و شهرسازی، شماره ۱۸، تهران.
معصومی اشکوری، حسن (۱۳۸۷) راهنمای علمی برنامه ریزی و آینده پژوهی، انتشارات پیام، تهران.
مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۲) ویژه نامه برترین های فرهنگ مهدویت، قم، بوستان کتاب.
ملکی فر، عقیل (۱۳۸۵) الفبای آینده پژوهی، اندیشکده صنعت و فناوری.
مور، تامس (۱۳۶۱) آرمانشهر، ترجمه داریوش آشوری، خوارزمی، تهران.
ناظمی قدیری، امیر (۱۳۸۵) «آینده نگاری از مفهوم تا اجرا»، مرکز صنایع نوین، وزارت صنایع و معادن، تهران
نامی النجار (۱۴۰۶) جزیره خضراء و تحقیق پیرامون مثلث برمودا، ترجمه و تحقیق علی اکبر مهدی پور، چاپ سوم، انتشارات نصر.
نوحی، سید حمید (۱۳۷۹) مقاله شهر ربانی، «ناملاتی در هنر و معماری»، تهران، گام نو.
نهج البلاغه (۱۳۷۸) ترجمه جعفر شهیدی، انتشارات علمی فرهنگی، چاپ پانزدهم، تهران.
ویکی پدیای فارسی؛ تاریخ برداشت مطلب: ۱۳۹۲/۸/۷

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۹ تابستان ۹۴
No.39 Summer 2015

۱۶۳

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۹ تابستان ۹۴
No.39 Summer 2015

■ ۱۶۴ ■